نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دوازدهم - شماره ۵۶۱ - یک شنبه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ - ۸ صفحه - ۲۵۰ تومان

افتتاح نمایشی سینما آوینی در بهمنی بوشهر

با رفتن مسئولین، درب سینما قفل شد

صفحه ۲

مصاحبه با دکتر سید علی طبیب، پزشک قدیمی و دلسوز بوشهری:

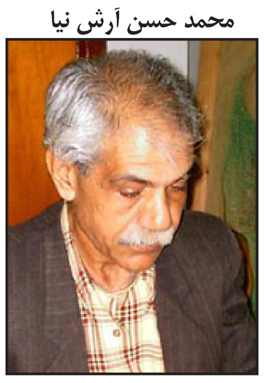
مبارزه با بیماری با دستان خالی



صفحه ۵

نقش سوژه در شعر

محمد حسن آرش نیا



صفحه ٤

شب قدر، شب تقدیر و نزول مقدرات

دکتر سید جعفر حمیدی



صفحه ٦



تراژدی پارک علم فناوری خلیج فارس در بوشهر



محمود یاوری سرمربی شاهین بوشهر:

شاهین باید حال و هوای لیگ برتری داشته باشد



ناصرابراهیمی سرمربی ایرانجوان بوشهر:

شرایط لیگ دسته اول، سخت تر از لیگ برتر است

هشدار روابط عمومی اداره کل اطلاعات استان بوشهر

اخیراً مشاهده شده عده ای سودجو و فرصت طلب با انتساب خود به وزارت اطلاعات یا شخصیت های بلند پایه کشور، با توجیه تسریع در حل مشکلات شخصی و اداری مردم مبادرت به کلاهبرداری از اشخاص، بنگاه های اقتصادی، بازار، بانکها، شرکتهای دولتی، خصوصی و... می نمایند.

به این وسیله از مردم غیور و همیشه در صحنه استان درخواست می گردد با هوشیاری خود، فریب این گونه افراد را نخورده و در صورت مشاهده، قبل از هر گونه همکاری یا پرداخت وجه و یا انتقال اموال و املاک به نام آنها، مراتب را به ستاد خبری اداره کل اطلاعات در سراسر استان به شماره تلفن ۱۱۳ اطلاع دهند.

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۵۶۲ یک شنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

افتتاح نمایشی سینما آوینی در بهمنی بوشهر

با رفتن مسئولین، درب سینما قفل شد

بیش از ده روز است که از زمان افتتاح سینمای شهید آوینی بوشهر می گذرد و مردم چشم انتظار فیلم روی پرده آن هستند.

در تاریخ ۸۸/۶/۱۰ بوده که مراسم افتتاحیه سینمای شهید آوینی بوشهر واقع در کوی بهمنی با حضور معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مقامات استان برگزار شد، اما با گذشت ده روز از این زمان و در آستانه روز سینما هیچ فیلمی روی پرده آن قرار نگرفته است. مردم با افتتاح این سینما، حسابی ذوق زده شده بودند اما با بسته شدن آن درست بعد از مراسم افتتاحیه ذوقشان از بین رفت. مغازه دارانی هم که روی کار و کاسبی خود حساب باز کرده بودند و جوانانی که به خیال خود، نیازی نمی دیدند به سینمای مرکز شهر بروند، امیدشان را از دست داده بودند و سوالشان این بود که اگر قرار نیست از سینما استفاده شود چرا افتتاح شد؟

جوانان بهمنی هر روز خود را در مقابل کرکره های سفید رنگی می بینند که در مقابل ورودی سینما پایین کشیده شده و اجازه ورود به تماشاچیان را نمی دهد و مغازه دارانی که در این میان لطمه زیادی دیده بودند و به گفته شان به مدت ۴ ماه طعم کسادی بازار را چشیده بودند.

در آستانه روز سینما هیچ فیلمی بر روی پرده سینما قرار نگرفته و علی رغم اینکه حدود ده روز پیش مراسم افتتاحیه سینمای شهید آوینی بوشهر با حضور معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد اما با تمام این اوصاف مردم کوی بهمنی معتقدند این مراسم ، مراسمی فرمالیته بود!

براستی این مراسم تنها جنبه تبلیغاتی داشته؟

با رفتن مسئولین درب سینما قفل شد

حسینی یکی از مغازه داران کنار سینما می گوید: «فقط سینما را افتتاح کردند و بعد درب سینما آن را بستند؛ با رفتن مسئولین درب سینما قفل شد.»

او هم دلیل کار را نمی داند و می گوید: «مردم هم از ما می پرسند که این سینما کی فیلم پخش می کند یا می پرسند چرا فیلمی روی پرده نیست؟ در اواخر هفته دولت بود که مراسم انجام شد و فکر می کنم که این مراسم تنها یک مراسم نمایشی بوده وگرنه بعد از آن حتما باید فیلمی‌پخش می شد!»


معاون امور سینمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال سخنرانی در مراسم افتتاح سینمای شهید آوینی در بهمنی بوشهر

وی که از بدقولی های صورت گرفته توسط دست اندرکاران ناراحت بود افزود: «به دلیل انجام تعمیرات سینما حدود ۴ ماه است که سایبان مغازه ما را برداشته اند اما هنوز آن را نصب نکرده اند در حالیکه به ما گفته بودند ۱۰ روزه کار را تمام می کنند اما ۱۰ روز به ۲۰ روز و ۲۰ روز یک ماه و یک ماه هم به ۴ ماه تبدیل شد و ما امید نداریم که به این زودی ها کار به پایان برسد.»

وی اضافه کرد:«سینما برای جوانان بهمنی خوب است همچنین برای پیشرفت فرهنگ و اینکه کمتر به فیلم های خارجی روی بیاورند؛ جوانان بهمنی سرگرمی نداشتند و این سینما به سرگرم شدن آنها کمک می کند.»

حسینی در پایان گفت: «انتظار ما این است که به قولهایشان عمل کنند. از روزی که روی این سینما کار شد کار ما مغازه داران هم کساد شد. جلوی درب مغازه های ما را داربست نصب کردند و مغازه داران همجوار لطمه زیادی دیدند و دو روز قبل از افتتاح داربستها را جمع آوری کردند. امیدواریم که هر چه زودتر مشکل سینما حل شود تا نتیجه کار را ببینیم.»

اول افتتاح می کنند و بعد عیب یابی

پایدار یکی از جوانان کوی بهمنی بودند که به همراه دوستش مشتاقانه در انتظار اکران فیلم در سینمای شهید آوینی بهمنی بودند.

آنها می گفتند: «از اینکه بالاخره یک سینما هم در بهمنی ساخته شد خیلی خوشحالیم اما همگی منتظریم که این سینما باز شود معلوم نیست که چرا فیلمی را روی پرده نمی گذارند. چند روز پیش دیدیم که مراسم افتتاح آن را انجام دادند؛ دلمان خوش بود که از فردا می توانیم فیلم را در سینمای بهمنی ببینیم‌ودیگر نیازی نباشد که این همه راه را به شهر برویم اما به نظر می رسد که به این زودی ها اتفاقی نخواهد افتاد. به نظر می رسد مشکلی داشته که درب آن را قفل کرده اند؛ متاسفانه اول افتتاح می کنند و بعد عیب یابی.»

برای کار تفریحی و فرهنگی ارزش زیادی قائل نیستند

یکی از افراد مطلع در کوی بهمنی که تمایلی به ذکر نامش ندارد هم با ابراز خرسندی از احداث سینما در محله بهمنی می گوید: «احداث این سینما به نفع همه است اما ظاهرا مشکلی پیدا کرده، به نظر می رسد لابراتور و برق سینما مشکل دارد اما کارهای کلی آن انجام شده.»

وی افزود: «در بوشهر که هیچ کس به آن رسیدگی نمی کند همین کار هم "نور علی نور" است. مثل سیلی که تا به بوشهر برسد هیچ چیز از آن باقی نمی ماند؛ صدای هر چیزی که در بیاید تا به بزرگترها برسد تنها یک زمرمه ای ست که به آن توجهی نمی شود.»

وی با اشاره به مشکلات موجود بر سر راه می گوید: «کلنگ سینما با فروشگاه رفاه زده شد و این را قدیمی های بوشهر هم می دانند؛ فروشگاه رفاه سوخت و دود شد اما باور کنید دوباره راه اندازی می شود اما سینما به همین شکل باقی می ماند چون برای کار تفریحی و فرهنگی ارزش زیادی قائل نیستند؛ مراسم افتتاحیه فروشگاه را می گیرند اما فیلم روی پرده سینما نمی آید. پیمانکاران برای این کار پیر شدند اما اعتبار نیست و اگر هم بدهند آن قدر ناچیز است که نمی شود با آن کاری کرد.»

او در پایان گفت:«به نظر من این سینما در کشور تک است و ابزارهای خوبی در آن بکار رفته و نمای بسیار جالبی دارد اما بهتر این بود که همه کارها را چه جزئی و چه کلی انجام می دادند و بعد مراسم افتتاحیه را برگزار می کردند.»

افتتاح سینما جنبه تبلیغاتی داشت

مرادی در همان حوالی مغازه فرش فروشی داشت که در این میان لطمه هم دیده بود. مرادی هم احداث سینمای بهمنی را به فال نیک گرفت و گفت:«احداث این سینما در بهمنی که در قسمت جنوبی بوشهر قرار دارد می تواند در فرهنگ بوشهریان واقع در این محل تاثیر زیادی داشته باشد. این سینما حدود ده روز پیش بود که افتتاح شد اما به نظر من این مراسم بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت چون بعد از آن مراسم و چند روز بعد فیلمی روی پرده آن قرار نگرفت در صورتی که بهره برداری از یک مکان به معنای استفاده از آن است یعنی از آن به بعد استفاده از آن آغاز می شود ولی در مورد این سینما این طور نشد.»

وی با اشاره به خساراتی که در این میان دیده است گفت: «در این مدت اجناس ما خیلی آسیب دید چون سایبان مغازه ما را به خاطر انجام تعمیرات برداشتند و نور آفتاب به اجناس ما آسیب رساند؛ این کار بازار همه را خواباند و کاسبی ما را مختل کرد و از طرفی فرش های من رنگ و رفته شده در حالیکه آنها قول داده بودند کمتر از ده روز کارشان را به پایان برسانند و سایبان ما را نصب کنند اما الان نزدیک ۴ ماه است که مغازه هایمان سایبان ندارد. با تحمل این همه مشکل انتظار داشتیم کار به نحو احسن پیش برود اما نمی دانیم باید خوشحال باشیم یا ناراحت...»

مرادی در پایان تاکید کرد:«خواسته ما این است که هر چه سریعتر سایبان ها مغازه مان را نصب کنند و مشکل سینما را برطرف کنند تا هر چه زودتر راه اندازی شود و بیش از این مردم بهمنی را منتظر نگذارند و مهم تر از همه آن است، قبل از اینکه کاری به طور کامل انجام نشده افتتاح نشود.»

تصادف خونین در جاده دیر ۵ نفر را به کام مرگ فرستاد

بر اثر برخورد یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ با یک دستگاه خودرو پراید در جاده دیر به بوشهر ۵ نفر کشته و ۳ نفر زخمی شدند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، یک دستگاه خودرو پژو۴۰۵ به رانندگی جهانبخش اهل بندرعباس و سرنشینی دو تن از فرزندانش به نام های راحله و راضیه ۲۵ ساله با یک دستگاه خودرو پراید برانندگی احمد و سرنشینی ۴ نفر برخود که در این حادثه رانندگان هر دو خودرو و سه نفر از سرنشینان پراید بنام های زینب ، مریم و علیرضا کشته و سه نفر دیگر بنامهای طاهره ، راضیه و راحله بشدت مجروح شدند.

مرد متجاوز به ۱۶ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کرد

مرد ۲۷ ساله ای که به قصد آزار و اذیت زن همسایه به زور وارد آشپزخانه آنها شده بود پس از دستگیری به ۱۶ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، مردی از طریق دیوار وارد آشپزخانه همسایه خود در یکی از شهرستانها شده بود و قصد آزار و اذیت زن ۴۵ ساله همسایه را داشت که با مقاومت زن همسایه در انجام اعمال مجرمانه خود ناکام ماند و فرار کرد. بر پایه این گزارش، در پی مراجعه این زن به پلیس و اعلام شکایت، مرد متهم دستگیر شد. متهم در پلیس آگاهی به ورود به عنف به خانه همسایه و نیز ۱۶ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کرد.

مصاحبه با اردشیر محمدی باغملایی، رئیس شورای شهر بوشهر:

درجلسه ای با شهردار تکلیف نهایی را مشخص می کنیم



– بحث استعفای شهردار بوشهر به کجا رسید؟

– تا کنون استعفایی بدست ما نرسیده است.

– شهردار بوشهر از تیر ماه اعلام استعفا کردند ولی این موضوع به شهریور موکول شد، ایشان واقعاً قصد استعفا دارند؟

– اینکه ایشان قصد دارد برود یا بماند به خودش بر می گردد و من از نیت باطنی او خبری ندارم و اینکه نیت باطنی او را برداشت کنم کاری محال است. تصمیم با خودشان است ولی در چند جا اظهار کرده اند که می خواهند استعفا دهند.

– به نظر می رسد که شهرداری بوشهر در وضعیت حساسی قرار گرفته و با توجه به اینکه شهردار بوشهر از ماه ها قبل موضوع استعفای خود را مطرح کرده بود کار شهرداری و کارکنان آن در حالت نامشخصی قرار گرفته. نظر شما در این خصوص چیست و بفرمایید که تدبیر شورای شهر در این میان چه خواهد بود؟

– ما جلسه ای را با شهردار خواهیم داشت تا تکلیف نهایی را مشخص کنیم. قصد داریم که در آینده نزدیک این کار را مشخص کنیم.

– منظور از آینده نزدیک چه زمانی خواهد بود؟

– همه اعضای شورا باید در این جلسه حضور داشته باشند اما در هفته آینده ۲ نفر از اعضا نیستند و جلسه رسمیت پیدا نخواهد کرد؛ جلسه زمانی برگزار خواهد شد که هر هفت عضو شورا حضور داشته باشند و ما در اولین فرصتی که فراهم شود جلسه را برپا می کنیم.

– در این میان تکلیف شهر، شورای شهر، شهرداری و مردم و پروژه های در دست اقدام چه خواهد شد؟

– برنامه های شهرداری به قوت خودش ادامه پیدا می کند و در کار شهرداری وقفه ای پیش نمی آید و شهرداری مثل گذشته به کار خود ادامه می دهد.

– بحث جایگزین شهردار به کجا رسید؟

– این موضوع هنوز در دستور کار شورا قرار نگرفته است ضمن اینکه تا کنون استعفایی از جانب شهردار به شخص بنده یا دبیرخانه شورا چیزی ارسال نشده است.

– و در صورتی که استعفا بدست شورا برسد چه اقدامی خواهید کرد؟

– جلسه ای برگزار می کنیم و در خصوص آن هم بحث می کنیم.

– صحبت هایی در خصوص اینکه در این روزها استعفای شهردار بدست شورای خواهد رسید مطرح است آیا این موضوع صحت دارد؟

– ما نمی توانیم از روی حدس و گمان ها حرفی بزنیم؛ اصلا شاید این موضوع توسط شورای شهر رد شود چون بالاخره اعضای شورا هستند که نظر می دهند.

– یعنی احتمال رد استعفای شهردار هم وجود دارد؟

– این احتمال وجود دارد؛ اعضای شورای شهر پذیرفتن یا عدم پذیرفتن آن را مشخص می کنند اما هنوز استعفایی ارائه نشده و بعد از ارائه شدن در دستور کار شورای شهر قرار می گیرد.

کسب رتبه نخست صندوق رفاه دانشجویی واحد بوشهر در میان واحدهای بسیار بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی

صندوق رفاه دانشجوئی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر از نظر عملکرد در بین واحدهای بسیار بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی توانست مقام اول را به خود اختصاص بدهد و در بین تمام دانشگاههای آزاد اسلامی سراسر کشور این وظیفه را داشته باشد که سیستم های صندوق رفاه دانشجوی سراسر کشور را پشتیبانی کند.

صادقی زاده مسئول صندوق رفاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر بیان داشت که این صندوق رفاه از سال ۱۳۷۵ در این واحد با شعار این که هیچ طالب علمی نباید در سطح کشور و استان باشد که به خاطر مشکلات مالی از تحصیلات عالیه باز ماند راه اندازی گردید.

صادقی زاده در ادامه اضافه کرد: این صندوق رفاه درطی سال اخیرمبلغ ۲۱/۰۶۹/۲۴۷/۸۵۹ ریال را به تعداد ۵۷۰۹ نفر در قالب وام های ذکر شده اهدا کند و از این حیث توانسته در سطح کشور از نظر عملکرد بهترین عملکرد را به خود اختصاص دهد.

صادقی زاده در پایان از دکتر امامی رئیس واحد بوشهر و همچنین خلیفه معاونت اداری و مالی و تمام کسانی که در این مهم نقش و سهمی داشته اند تقدیر و تشکر کرد.

سقوط از ساختمان چهار طبقه

مرد ۲۶ ساله ای در خارک به علت سقوط از ساختمان چهار طبقه در بیمارستان فوت شد.به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، مرد ۲۶ ساله¬ای که در ساعت ۲۲ شب در حال آبگیری منبع آب بوده به علت بی¬احتیاطی از ساختمان چهار طبقه به پایین سقوط نموده که پس از اعزام به بیمارستان بوشهر به علت شدت جراحات وارده در بیمارستان جان باخت.

مصاحبه با داریوش پوربهی عضو شورای شهر بوشهر:

شورا هم در این زمینه بلا تکلیف است



– بفرمایید بحث استعفای شهردار بوشهر به کجا رسید؟

– با توجه به اینکه شهردار بوشهر مدت ۳-۴ ماه است که قصد استعفا داشته و در جلسه شورای شهر هم این موضوع را بیان کردند که تا پایان تیر ماه استعفا دهند اما تیر به مرداد و مرداد به شهریور تبدیل شد و هم اینک شهردار بوشهر اعلام می کند که تا پایان شهریور ماه بیشتر در شهرداری باقی نخواهد ماند و از این پست استعفا می دهد، اما تا کنون هیچ گونه استعفایی را به شورا تحویل نداده است و شورا هم در این زمینه بلاتکلیف است.

– به نظر می رسد که شهرداری بوشهر در وضعیت حساسی قرار گرفته و با توجه به اینکه شهردار بوشهر از ماه ها قبل موضوع استعفای خود را مطرح کرده بود، کار شهرداری و کارکنان آن در حالت نامشخصی قرار گرفته. نظر شما در این خصوص چیست؟

– همان طور که گفتم شورای شهر هم در این زمینه در بلاتکلیفی می باشد و با توجه به بیانات ایشان در رابطه با استعفای خودش از ریاست شهرداری، شهرداری در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و بعضی قسمت های شهرداری از حالت اجرایی خارج شده است.

– در حالی که شهردار بوشهر از تیر ماه اعلام استعفا کرده اند این موضوع به شهریور ماه موکول شد، پس فکر می کنید دلیل ارائه ندادن استعفای ایشان چیست؟

– من فکر می کنم یا بعضی از دوستان به ایشان تاکید می کنند که در پست خود باقی بماند و یا اینکه شرایطی برای جابجایی ایشان فراهم نگردیده است.

– منظور شما چه شرایطی ست؟

– همان طور که می دانید ایشان کارمند وزارت نیرو هستند و باید به این وزارتخانه برگردند و زمانی هم مدیر عامل شرکت آب بوده اند و تمایل دارند که در یکی از پست های کلیدی در آب و فاضلاب در استان قرار گیرند. دیدگاه شخصی ایشان این است که وظیفه اش را در شهرداری به پایان رسانده و تصمیم دارد که به پست قبلی برگردد.

– در دویست و بیست و یکمین جلسه علنی شورای شهر چند نفر از اعضای شورا به گلایه هایی اشاره کردند این طور استنباط می شد که بین اعضای شورای شهر با شهردار گلایه هایی وجود دارد؟ آیا این استنباط درست است؟

– افراد همیشه توقعاتی دارند که این توقعات باید در چارچوب قانون و ضوابط باشد. ما درشورای شهر وظیفه نظارتی داریم و شهردار شهر هم وظیفه اجرایی و مدیریتی دارد و در بعضی از امور که یا مصوبات شورا اجرا نمی شود و یا تذکرات شفاهی اعضای شورا اجرا نمی شود، یا اینکه لایحه ای از شهرداری به شورا می رسد و بعضی از اعضای شورا جواب منفی می دهند و مورد قبول واقع نمی شود، بین شهرداری و شورا بر سر همین مسائل تضادهایی وجود دارد که امکان دارد با توجه به توقعات و حساسیت های افراد یک دلخوری بوجود آید ولی قطعاً اعضای شورا همیشه تمایل دارند که شهرداری در یک صِراط مستقیمی قرار گیرد و کارها به روالِ صحیحی انجام گیرد و اگر موردی هم پیش می آید قطعاً در جهت حسن نیت و بهبود کیفی امور می باشد و کسی از اعضای شورا در فکر مشکل تراشی یا منفی بافی یا تصمیم بر آزار یا اذیت فردی ندارد.

– پس این موارد و یا تضادهایی که به آن اشاره کردید چقدر در استعفای شهردار تأثیر داشته است؟

– هر کس که شهردار می شود قطعاً قاعده بازی بین شهرداری و شورا و فرمانداری و استانداری را باید بداند و سعی کند خود را آماده هر گونه برخورد یا بحثی بنماید و با اصول دیپلماسی و سیاست کاری که در پیش می گیرد، یک هماهنگی دوستانه و صحیحی بین خود و بقیهِ دوایر و مردم و شورا ایجاد کند، بنابراین شهردار محترم قطعاً با این قاعده بازی آشنایی داشته و دارد و جایی برای گلایه مندی نیست.

– آیا تا کنون افرادی برای کاندیدا شدن شهرداری مطرح شده اند؟

– تا کنون افراد مختلفی در داخل و بیرون از شورا خود را آماده کاندیدا شدن کرده اند ولی با توجه به اینکه استعفای شهردار هنوز بدست شورا نرسیده و شورا هم هیچ تصمیمی در این زمینه نگرفته است لذا همه این موارد تنها در حرف باقی مانده است.

– در صورتی که مهندس رجایی، استعفای خود را ارائه دهد. چه شخصیتی می تواند گزینه ای مناسب برای شهردار شدن باشد؟

– در صورت استعفای مهندس رجایی و پذیرش آن در شورای شهر، شخصیتی شایسته شهرداری بوشهر می باشد که بومی باشد، تحصیلات عالیه ای مرتبط با امور شهری داشته باشد، فردی مجرب و بدون خط و خطوط سیاسی که تنها به شهر و دیارش بیندیشد و سعی کند روابط عمومی خود را با مردم و شورا و بقیه دوایر قوی نگه دارد و بتواند با مشارکت و سرمایه گذاری در بخش های مختلف، شهرداری را از مشکلات مالی رها سازد.

– آیا احتمال رد استعفای مهندس رجایی توسط شورای شهر هم وجود خواهد داشت؟

– بله احتمال رد آن توسط شورای شهر هم وجود دارد چون تا کنون استعفای او به شورای شهر نرسیده است و هیچ بحثی هم روی آن صورت نگرفته است. پیش بینی، کار سختی ست و تا مشخص شدن کار باید منتظر ماند.

– از بین تمام مواردی که برای کاندیدا شدن برای شهرداری مراجعه کرده اند آیا گزینه مناسبی هم یافت شده است؟

– زمانی می توان تصمیم گرفت و دقیقاً فرد را جهت شهردار شدن انتخاب نمود که تمام جوانب آماده باشد ولی در حال حاضر که این کار نه به دار است و نه به بار، تعیین کاندیدای مورد نظر کار سختی می باشد.

– در دویست و بیست و یکمین جلسه علنی شورای شهر شما حمایت خود را از مسعود شکوهی عضو شورای شهر اعلام کردید. آیا همچنان بر گفته خود پافشاری می کنید؟

– یکی از گزینه هایی که از درون شورا می تواند لایق شهردار شدن باشد مسعود شکوهی است ولی ما هم گرچه این حمایت را کرده ایم ولی هیچگاه تمایل نداریم که یکی از اعضای شورای شهر تا پایان ۴ سال از میزگرد شورا خارج شود.

دامن سرو بلند آسان نمی آید بدست

عبدالرضا شهبازی



چهره ی مترجم انسان را به یاد اسطوره ی سیزیف می اندازد. اما اگر مفاهیم عبث بودن کار سیزیف و قلندر بودنش را به کناری بگذاریم، " این مشغله " بودنش و چوب لای چرخ " تاناتوس " یا " مرگ " گذاشتنش می ماند که به انگیزه " نامیرا " شدن انسان صورت گرفت و همین کارش بود که بر زئوس گران آمد و لاجرم محکومش کردند که هر روز تخته سنگی را به بالای تپه ای بکشد _ بدان امید که بر غیر ممکن فائق آید _ آنهم با علم به این که به حکم خدایان روز بعد سنگ را باز پای تپه خواهد یافت!

مترجم چون رابط میان دو فرهنگ است با مرگ و جهل دشمنی می کند و محکومیتش را هم خودش رقم می زند: با مرور دائم ترجمه اش. ترجمه فی النفسه کاری " محال " است. این سخن را شمار نه چندان معدودی از صاحبنظران ترجمه عنوان کرده اند.

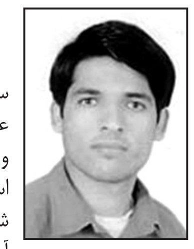
اندیشه آدمی اگر نه جملگی، تا حد بسیار مرهون زبانی است که فرد بدان سخن می گوید. زبان جزیی جدایی ناپذیر از تفکر آدمی است و به باور شماری از فلاسفه، بدون زبان تفکر چندان رشد نمی کند.زبان بسان پیکری است که اندیشه آدمی پرهیب وار در آن تجسم می یابد. هر زبان آفریننده دنیایی است گاه بسیار متفاوت از دنیایی که زبانی دیگر خلق می کند. دنیایی که فردی فارسی زبان به یمن زبان خود پیرامون خویش نظاره می کند با دنیایی که زاییده زبان انگلیسی است تفاوتی گاه ماهوی دارد. برای این که این سخن تا حدی ملموس تر شود مثالی می زنم. در زبان فارسی " رنگین کمان " پدیده ای است که ترکیب بندی مفهومی در زبان فارسی آن را چونان کمانی چند رنگ بر ذهن ما عرضه می دارد. از سوی مقابل، همین پدیده ی طبیعی برای فردی انگلیسی زبان و به یمن دنیایی که برساخته زبان انگلیسی است بصورت (Rainbow) یعنی کمانی بارانی ادراک می شود. فارسی زبان خود را تشنه آزادی می داند حال آنکه انگلیسی زبان خود را (Hungry for freedom) گرسنه آزادی می داند. فارسی زبان می گوید پایم شکست و با این کار دامان تقصیر را از گرد خود برمی چیند اما انگلیسی زبان می گوید (I broke my leg) من پایم را شکستم. مثالهایی از این دست تقریباً به گستردگی هر دو زبان است و تنوع چنین اختلاف منظرهایی به تنوع زبانهای دنیا.

مترجم خوب کسی است که برای (Rainbow… Hungry for freedom…I broke my leg) به ترتیب معادلهای : رنگین کمان/ تشنه آزادی / پایم شکست بگذارد. و بر این کار او علی الظاهر خرده ای نمی توان گرفت چه به زبان و هنجار فارسی سخن گفته است. ولی چیزی که در این جا از دست می رود منظری است که انگلیسی زبان بدان می نگریسته و ویران کردن دنیایی است در مقابل ساختن دنیایی بدیل. بر داشتن عینکی و گذاردن عینکی دیگر و البته از رنگی دیگر. مترجم فارسی زبان دنیای انگلیسی را به گونه ای می آفریند بسیار شبیه به دنیایی که خود در آن اندیشه می کند. در این رهگذر مفهوم انگلیسی در صافی ذهن فارسی زبان پوست می اندازد و شکلی فارسی به خود می گیرد و البته در این دگردیسی اصل با بدل تفاوت بسیار می یابد. از همین روی شماری از فلاسفه زبان، ترجمه را امری بسیار دشوار و تقریباً ناممکن می دانند. چه آن چیزی که ما به عنوان ترجمه شاهکاری ادبی می خوانیم چیزی است مسخ شده ، دیگرگون شده و برکنده ی از دنیایی که در آن آفریده شده است و در خوش بینانه ترین صورت ممکن نقشی است از پشت قالی. و بر این اساس ما هیچ گاه حتی با صرف دانستن نسبی زبان آلمانی، " کانت " را نخواهیم فهمید زیرا باید آلمانی زبان بود و به آلمانی فکر کنیم تا " سنجش خرد ناب " را ادراک کنیم. " آنا کارنینا " ی تولستوی را نمی توان فهمید جز آن که اندیشه ما اندیشه ای روسی شود. فضایی که" آگوست کنت " می آفریند فضایی است که صرفاً فردی فرانسوی زبان قادر به فهمش خواهد بود. کنت به هر زبانی که ترجمه شود کنتی تازه خواهد بود نه کنت فرانسوی. به بیان دیگر به عدد زبانهایی که کنت بدانها ترجمه شده است، کنت هایی جدید خواهیم داشت. و سر آخر اینکه به زبان فارسی هیچگاه نمی توان مدعی بود " جنایت و مکافات " ، " آرزوهای بزرگ "، " کمدی انسانی " و غیره، خوانده و فهمیده شده است. هر چه بوده است چیزی دیگر از جنسی دیگر بوده است.

این تقریری بسیار مختصر از نظریه ای است که به نظریه ترجمه ناپذیری زبانها مشهور است و طرفدارانی از میان فلاسفه و صاحبنظران ترجمه دارد. بررسی نقاط قوت و ضعف این نظریه به مجالی دیگر محتاج است.

تراژدی پارک علم فناوری خلیج فارس در بوشهر

عبدالمجید دراهکی
کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات





سال ۱۳۸۰ وزارت علوم تحقیقات و فناوری بر اساس مصوبات شورای گسترش آموزش عالی و در جهت پیشبرد برنامه ۵ ساله چهارم توسعه اقتصادی کشور تصمیم به راه اندازی پارک های علم و فناوری در کشور گرفت . در این راستا هدف خود را از راه اندازی این سازمان ها افزایش ثروت در جامعه ، کاهش ریسک خطر پذیری شرکت های نوپا ، تجاری سازی ایده های فنآورانه ، تجمع واحدهای فن آور و غیره معرفی نمود . بدلیل حمایتهای همه جانبه دولت این سازمان ها و مراکز رشد که در شکم این سازمان ها تحت یک مرکز وابسته قرار می گیرد در کشور همه گیر شد و اکثر سازمان ها و نهادهای دولتی تحت عنوان موسس اقدام به راه اندازی این مراکز و سازمان ها نمودند تا آنجا که تعداد آنها در کشور به حدود ۶۰ مرکز رشد و ۲۲ پارک علم و فناوری در سال ۸۸ رسید.

پارک های علم و فناوری با توجه به فعالیت های گسترده و اداره هیات امنایی آنها اکثرا زیر نظر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی راه اندازی می شوند به همین منظور تعداد ۸ پارک علم و فناوری نیز که قبلا تحت عنوان سازمان پژوهشها بوده اند و یا در استان موردنظر متولی برای راه اندازی آن مسئولیت را نپذیرفته تحت هیئت امنا منطقه یک فناوری و زیر نظر مستقیم وزارت علوم تحقیقات و فناوری اداره می شوند .

پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر نیز دراسفند ماه ۱۳۸۶ با دو فاز عسلویه و بوشهر و امضاء تفاهم نامه هایی با وزارت نفت و وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (به عنوان تنها پارک کشور که سه وزارت خانه متولی آن شدند) تحت موسس وزارت علوم تحقیقات و فناوری راه اندازی شد. بر اساس مصوبه وزارت علوم تحقیقات و فناوری مرکز رشد علم و فناوری خلیج فارس نیز که حدود ۴ سال از راه اندازی آن تحت مدیریت استانداری بوشهرمی گذرد و اعتبارات آن که در اختیار دانشگاه خلیج فارس و استانداری بوشهر بود به پارک علم و فناوری خلیج فارس انتقال یافت. این اتفاقات در ابتدا بسیار خوشایند و مورد رضایت واحدهای فناور، کارآفرینان و دانشگاهیان استان بود زیرا که این اتفاق را عاملی برای حمایت بیشتر از خود و توسعه بخش فناوری استان و استحکام مالکیت استان بوشهر بر عسلویه و نفوذ بیشتر بر وزارت نفت در استان بوشهر می دانستند.

اما دیری نپایید رنگ نا امیدی فرهیختگان، دانشجویان ، کارآفرینان و فن آفرینان استان را فرا گرفت زیرا که به این موضوع پی بردند که پارک علم و فناوری خلیج فارس به عنوان یک رفع تکلیف بود برای اینکه از استان های دیگر کشور عقب نمانیم نه یک رفع نیاز برای حل مشکلات فناوری استان . برای اثبات گفته فوق می توان اینگونه بیان نمود که پارک علم و فناوری استان بوشهر که حدود یک سال و اندی از راه اندازی آن می گذرد، هنوز در ساختمان استیجاری مرکز رشد که متعلق به استانداری بوشهر است اسکان دارد. این ساختمان همان ساختمانی است که استانداری بوشهر در سال ۸۵ بارها مرکز رشد را به تخلیه آن مجبور نمود اما سرسختی مدیران و کارشناسان مرکزرشد اجازه این تخلیه را نداد. اما اکنون بر اساس گزارش موجود از پارک علم و فناوری خلیج فارس در وبلاگ ها و رسانه های مختلف، تنها عملکرد پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر رنگ آمیزی و تعمیر ساختمان مرکز رشد ، پی گیری مصوبات پارک علم و فناوری در هیات امنا منطقه یک فناوری ، تکمیل پرسش نامه و یا شاید انعقاد قرار داد با ۴ واحد فناور و ۳ انجمن علمی که هنوز ضرورت وجود انجمن های علمی در پارک مشخص نشده و واحدها ی فناور نیز قبلا در مرکز رشد مستقر بوده اند و اکنون فقط عنوان قرارداد به نام پارک شده است وگرنه هیچ هویت یا امکاناتی مستقل برای آنها در نظر گرفته نشده است.

در خصوص مرکز رشد علم و فناوری خلیج فارس نیز که یکی از واحدهای وابسته به این پارک و شاید تمام هویت این پارک است، می توان به گزارش شورای نظارت بر مراکز رشد وزارت علوم در سال ۸۶ اشاره نمود که در آن این مرکز رتبه ۱۷ از ۱۰۰ را دریافت نموده بود که یکی از ۴ مرکز رشد ضعیف کشور شناخته شده است. این گزارش با توجه به عملکرد سال ۸۷ امکان اینکه این رتبه به مقامی بالاتر صعود کند بسیار ضعیف است. اگر بخواهیم استدلال خود را با توجه به آشنایی به موارد ارزیابی بیان کنیم موارد زیل را شامل می شود (اثبات استدلالهای زیل در وب سایت پارک علم و فناوری خلیج فارس نمایان است) :

- وجود تعداد ۷ یا ۸ واحد فناور که اکثرا از تاریخ قرارداد آنها مدت ۳ یا ۴ سال می گذرد.
- عدم استقرار تعداد واحدهای جدید.
- وجود حداقل نیروی انسانی در شرکت های موجود و بسته بودن درب شرکت ها در اکثر مواقع.
- پیش رشدی بودن اکثر شرکت ها با توجه به زمان طولانی استقرار آنها در مرکز.
- استقرار واحدهای فناور با زمینه تخصصی محدود شامل فناوری اطلاعات و ارتباطات و الکترونیک با توجه به جامع بودن مرکز رشد.
- معرفی قراردادها و درآمدهای منعقده توسط واحدهای فناور به صورت مشابه در ۳ سال پیاپی به وزارت علوم وعدم اخذ قرارداد یا درآمدهای جدید.
- عدم وجود مدیر و کارشناس در مرکز رشد (اگر آقای دکتر مصلح و ۳ کارشناس فعلی را متعلق به پارک بدانیم).
- عدم هماهنگی در تشکیل شورای فناوری مرکز رشد متناسب با سال.
- بروز نشدن سایت پارک علم و فناوری و کامل نبودن این سایت از مشخصات واحدهای فناور (با توجه به فناوری اطلاعات بودن اکثر واحدهای فناور).
- و غیره

زیبایی امر از آنجا ست که اگر یک نظر سنجی از کارآفرینان ، مخترعان و حتی دانشجویان آموزش عالی استان ، کارمندان ، مدیران و مسئولان استان صورت بگیرد شاید و این هم شاید ۵ یا ۱۰ درصد از آنها بدانند مرکز رشد چیست و کجاست ولی در مورد پارک این احتمال به ۲ درصد می رسد (می دانید که پارک علم و فناوری خلیج فارس بعد از یکسال که نتوانسته مکانی را حتی برای استقرار پیدا کند هیچگونه تابلو معرفی یا سردرب هم ندارد) . چرا باید در استانی با این همه وسایل ارتباط جمعی، اطلاعاتی در مورد سازمانی که ادعای فناوری دارد و ۹۰ درصد شرکت های مستقر در آن در زمینه فناوری اطلاعات ، مخابرات و الکترونیک هستند اینگونه گمنام بماند.

در پایان باید گفت پارک علم و فناوری خلیج فارس در اوان راه اندازی با توجه به مصوبه هیات محترم وزیران در سال ۸۶ و حمایت همه جانبه وزارت علوم ، وزارت نفت ،وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات و منطقه ویژه، رعشه ای در دل پارک های علم و فناوری دیگر استان ها به خصوص استان فارس انداخت زیرا که می ترسیدند و شاید هم مطمئن بودند که این پارک به زودی گوی سبقت را از آنها می گیرد و یکی از بزرگترین و معروف ترین پارک های ایران میشود و با برنامه ریزی که بر روی عسلویه انجام می دهد برای همیشه فناوری عسلویه و نفوذ بر وزارت نفت را در اختیار می گیرد. اما شاید ۵ ماه از راه اندازی آن نگذشته بود که از بی خیالی مدیران و مسئولان بوشهری، قشمی ها نام خلیج فارس را برداشتند و آن را بر سردرب پارک خود نصب کردند زیرا که آنها ارزش این نام را خوب می دانستند چه آنکه هنوز یکسال نگذشته یک میلیارد تومان اعتبارات پارک بوشهر را در حساب آنها واریز نمودند اکنون مدت چند ماه است بوشهری ها باید آنقدر دوندگی کنند تا حق خود را باز ستانند در این اثنا شیرازی ها هم ساکت نماندند و با عنایت به اینکه فاز دوم پارک ما به نام عسلویه بود، دریافتند اگر بوشهر فاز دوم خود را در عسلویه راه اندازی کند دیگر وزارت نفت از دست آنها خارج می شود . اینجا بود که از سکوت و خاموشی مدیران بوشهری استفاده کردند و مرکز رشد نفت و گاز و پتروشیمی که ۳ سال پیش طرح آن در بوشهر آماده بود و برای تصویب به وزارت علوم هم ارسال شد را در استان فارس راه اندازی کنند و به زودی آن را به عسلویه انتقال می دهند تا اعتبارات وزارت نفت را نیز به شیراز انتقال دهند و فکر کنم بقیه استان ها هم هنوز از امکانات بالقوه ما خبر دار نشده اند وگرنه آنها هم به زودی خواهند آمد.

در این اثنا باید مسئولان، مدیران و نماینده های استان بدانند شعار و گزارشات تئوریک و چند مصوبه کپی، بخش فناوری و پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر را نمی سازد اگر می توانید به فکر عمل باشید و ساختمان پارک را راه اندازی کنید، تابلو پارک را بر سردرب یک منزل شخصی هم شده بچسبانید ، دانشجویان ، مدیران و مردم را با این سازمان آشنا کنید ، ارزش واقعی آن را مانند سایر استانهای کشور به مسئولان بشناسانید و.... خدا را شکر پارک علم و فناوری خلیج فارس که دیگر نباید مشکل کمبود اعتبار یا سیستم مدیریتی داشته باشد.

به کجا چنین شتابان؟

محمد کاظم حق شناس



دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی شاعر برجسته، پژوهشگر نامدار، منتقد ادبی، نویسنده توانا، مصحح و مترجم بزرگ ماهر، به آمریکا مهاجرت کرد.

شفیعی کدکنی در سال ۱۳۱۸ در روستای کدکن نیشابور به دنیا آمد، دوران دبیرستان و دانشگاه خود را در مشهد و در دانشگاه فردوسی مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۴۸ دکترای ادبیات خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد.

او در علوم حوزوی در محضر بزرگانی چون ادیب نیشابوری دوم، میرزا هاشم قزوینی، آیت اله میلانی و... تلمذ کرد و در علوم دانشگاهی از محضر بزرگانی همچون بدیع الزمان فروزانفر، دکتر مجتبی مینوی، دکتر علی اکبر فیاض، احمد علی رجایی بخارایی، دکتر غلامحسین یوسفی، غلامحسین مصاحب و دکتر عباس زریاب خویی بهره ها برد که همه ی این ها از استادان و فرهیختگان برجسته ی معاصر به حساب می آیند. دکتر شفیعی نیز خود یکی از برجسته ترین استادان زبان و ادبیات فارسی ایران بود که در دانشگاه تهران کرسی استادی دانشجویان مقطع دکترا را به عهده داشت و استاد راهنمای بسیاری از دانشجویان و ادیبان به نام معاصر بود.

او نویسنده ی توانایی است که آثار برجسته ای مانند «موسیقی شعر» و «صور خیال در شعر فارسی» و ده ها اثر گرانسنگ دیگر را خلق کرد و به علاقه مندان عرضه نمود.

پژوهش ها و تحقیقات ارزشمندی همچون «تاریخ نیشابور»، «دیوان شمس»، «غزلیات عطار» و به خصوص شاعر آیینه ها که شاعری به نام «بیدل دهلوی» را برای نخستین بار به جامعه ادبی معرفی نمود.شفیعی کدکنی نخستین شعر خود را در سن ۷-۸ سالگی سرود او از محضر مادرش که او نیز طبع شعر داشت و شعر می گفت استفاده می کرد و کم کم به شاعری بزرگ تبدیل شد و دفترهای شعری از قبیل، زمزمه ها، شب خوانی، در کوچه باغ های نیشابور، از زبان برگ از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، بوی جوی مولیان... به چاپ رساند.

بی شک صندلی این استاد فرزانه و محقق نام آشنا برای سالها در دانشگاه تهران خالی خواهد ماند و به این زودی پر نخواهد شد.

عمر بسیار بباید پدر پیر فلک را/ تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

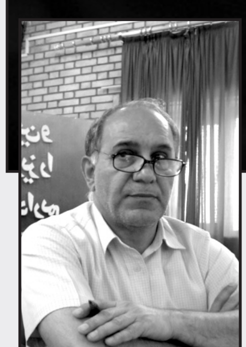
امید که اقامت استاد در خارج از وطن دیر نپاید و آنچنان که گفته شده است دائمی نباشد و چنانکه خود سروده است، از او می پرسیم:

به کجا چنین شتابان؟
گون از نسیم پرسید
دل من گرفته زاین جا،
هوس سفر نداری
زغبار این بیابان؟
همه آرزویم، اما
چه کنم که بسته پایم...
به کجا چنین شتابان؟
به هر آن کجا که باشد، به جز این سرا، سرایم
سفرت به خیر اما
تو و دوستی، خدا را
چو از این کویر وحشت، به سلامتی گذشتی
به شکوفه ها، به باران،
برسان سلام ما را.

چگونه از مزایای بازنشستگی استفاده کنیم

نادر اقدام - بازنشسته تامین اجتماعی





سازمان تامین اجتماعی از بزرگترین سازمان های بیمه گر ایران است که یکی از تعهدات آن نسبت به بیمه شدگان و خانواده آنها برقراری مستمری بازنشستگی است و لیکن به علت پیچیدگی قوانین و کلاف سردرگم بخشنامه ها و دستور العمل ها برقراری بازنشستگی از یک قاعده کلی و شفاف تبعیت نمی کند و حال آنکه برقراری بازنشستگی بایستی به گونه ای در سیستم مکانیزه سازمان طراحی و پیش بینی شود که هر بیمه شده ای با توجه به داشتن شرایط سنی و سابقه قادر سیستم شناسایی و توسط سازمان مطلع شده تا در صورت تمایل بتواند نسبت به درخواست بازنشستگی اقدام نماید.

بعد از گذشت نیم قرن از تأسیس تامین اجتماعی به جرأت می توان گفت تاکنون صدها بیمه شده با داشتن سن بیش از ۶۰ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان و داشتن ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه به علت فوت و عدم درخواست برقراری بازنشستگی توسط خانواده آنها در سال های قبل تاکنون هیچگونه مستمری برای بازماندگان آنان برقرار نشده است و خانواده های آن ها از حقوق واقعی خود تاکنون محروم شده اند و حال آنکه سازمان می تواند با تهیه یک نرم افزار جدید نسبت به تجمیع سوابق کشوری و شناسایی این قبیل بیمه شدگان پنهان ، اقدام و مراتب را به اطلاع خانواده های آنها رسانده تا از نظر شرعی دینی به گردن سازمان نباشد .

از آنجایی که پرداخت بعضی از تعهدات همانند برقراری مستمری هزینه های هنگفتی برای سازمان در بردارد و قانونگزار در چنین حالتهایی مهلتی معین می کند ، لذا در اجرای مفاد بند ۴۷ قانون بودجه سال ۸۸ کل کشور بیمه شدگان مشمول قانون تامین اجتماعی که حائز شرایط ذیل می باشند از تاریخ ۸۸/۱/۱ لغایت اسفند ۸۸ می توانند با مراجعه به شعب تامین اجتماعی درخواست بازنشستگی خود را طبق فرم های موجود در شعب ثبت دبیرخانه نمایند.

الف) شرایط احراز :

۱- دارا بودن حداقل ۶۰ سال سن برای بیمه شدگان مرد و حداقل ۵۵ سال تمام برای بیمه شدگان زن

۲- دارا بودن حدقال ۱۰ سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه

۳- احراز تواماً شروط سن و سابقه متقاضی بازنشستگی در تاریخ درخواست بازنشستگی

ضمناً مستمری قابل پرداخت در اجرای بخشنامه ۵۶ مستمری ، معادل مستمری استحقاقی بیمه شده یعنی متناسب با سنوات پرداخت حق بیمه خواهد بود ، اینگونه مستمری بگیران از شمول ماده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی خارج می باشند و میزان کمک های جنبی این دسته از مستمری بگیران مانند سایر مستمری بگیران می باشند ، لذا حداقل مستمری قابل پرداخت به مشمولین فوق الذکر بر مبنای فرمول ذیل تعیین می گردد.

مثال ۱ :

ریال یارانه ۸۲۰/۰۰۰+ ۸۷۸/۴۰۰= ۲۶۳۵۲۰۰× ۱۰ = حداقل مستمری ماهیانه با ۱۰ سال سابقه

و مستمری کسانی که سابقه آنها بین ۱۰ تا ۱۷ سال می باشد طبق فرمول ذیل تعیین می گردد .

مثال ۲ :

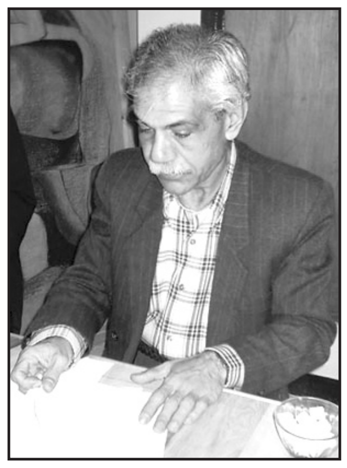
یارانه + مستمری = متوسط دستمزد ۲ سال آخر × سنوات = حداقل مستمری ماهیانه ۳۰

ضمناً چنانچه بیمه شده ای لغایت ۸۸/۷/۱۳ باسن ۶۰ سال تمام برای مردان و ۵۵ سال تمام برای زنان دارای ۱۷ سال سابقه باشد می تواند از بازنشستگی کامل برخوردار گردد که حداقل حقوق ماهیانه وی به مبلغ -/۲/۶۳۵/۲۰۰ ریال می باشد که با جمع سایر مزایا (یارانه دولت ، بن ، کمک هزینه مسکن ، حق عائله مندی و حق اولاد به تعداد ۳ نفر) می تواند تا مبلغ ۳/۹۵۴/۶۷۲ ریال ناخالص افزایش یابد.

نسیم جنوب
۴
ادب وهنر
شماره ۵۶۲ یک شنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

نقش سوژه در شعر و چگونگی انتخاب آن

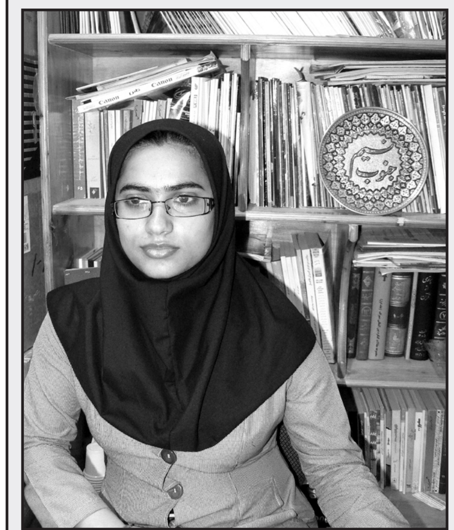
محمد حسن آرش نیا - دبیر ادبی دوشنبه های نسیم جنوب



جائی نخوانده و نشنیده ام که در تعریف شعر از واژه «سوژه» استفاده شده باشد. ولی در نمایشنامه و داستان ها و سایر انواع ادبی این لفظ به کار رفته است.
به نظر خودم: مقدمات شعر بدون تصمیم شاعردر انتخاب موضوع و بر اساس امری تصادفی در ذهنیت شاعر شکل گرفته و سپس شاعر با انتخاب واژه های مناسب و کنار هم چیدن آنها آن گونه که بر اثر تمرین و ممارست ملکه او گردیده آغاز به سرایش شعر می کند.
اما معانی متعدد «سوژه» در فرهنگ لغت ها عبارتست از: موضوع- مضمون- مبحث- زمینه آن چه بحث یا بررسی یا آزمایش شود و در میان این معانی «موضوع» بیشتر به «سوژه» و «شعر» نزدیک است. در این مورد تعریف های فراوانی از شعر شده ولی با این همه، کسی نتوانسته برای شعر تعریفی جامع و مانع ارائه دهد و از ابتدای پیدایش شعر تا کنون بحث درباره موضوع چیستی شعر ادامه دارد. ارسطو اولین کسی است که به صورت مکتوب درباره شعر سخن گفته است به این شرح: «شعر عبارتست از هماهنگی نظم و اندازه مناسب و وحدت اجزاء شعر که منشاء آن عبارتست از غریزه تقلید و لذتی که از تقلید حاصل می شود.»
تعریف های فراوان دیگری از شعر شده که خلاصه برخی از آنها به شرح زیر است:
نیما بزرگترین تئوریسین و پدر شعر نو فارسی در کتاب حرفهای همسایه می گوید: «شاعر باید بتواند در شعرش کلمات را از حالت شنیداری به حالت دیداری تصور کند و به طور خلاصه، شنیدنی ها را دیدنی کند.»
در مورد نقش زبان در شعر این تعریف قابل توجه است که: شعر بی آن که به زبان نیازی داشته باشد در هستی بطور پراکنده وجود دارد اما برای این که به بیان درآید به ابزار خاصی نیاز دارد که در مورد شعر به عنوان یک ژانر ادبی این ابزار زبان است.
و درباره شاعر نیز گفته اند: شاعر واقعی در دنبال کشف روابط اشیاء و اجزائی است که در فضای تاریک نهفته است و او با چراغ تخیل آنها را کشف می کند و مطابق با شیوه هنری خود شکل می دهد و چون هر شاعرکیفیات روحی و حالات ذهنی و ویژه ای دارد که نتیجه مراحل رشد فکری و عاطفی و تربیت خانوادگی و اجتماعی اوست همیشه یک رگه اصلی از آنها در تمام آثارش جلوه می کند.
موندریان نقاش هلندی درباره هنر به ویژه شعر که بزرگترین و بحث برانگیزترین زیرمجموعه هنرمی باشد چنین می گوید: اثرهنری در اصل جاشین تعادلی بوده که فعلاً واقعیت فاقد آن است و سرانجام واقعیت به طور روز افزون جایگزین اثر هنری بویژه شعر خواهد شد.
سمبولیست های روس شعر را متشکل از تصاویری مجازی می دانستند که مفاهیم ناآشنا و غیرقابل دسترسی را آشنا می سازد.
اما برعکس سمبولیست ها، ساختارگرایان روس از جمله شکلوفسکی بر این باورند که: وظیفه شعر نه آشنا و قابل فهم ساختن مفاهیم دشوار که برعکس ناآشنا ساختن تعابیر مألوف است. شکوفسکی معتقد است که کارکرد اصلی شعر همین آشنا زدائی از واقعیت مألوف است... شعر به مدد تمهیدات شعری امور آشنا را به گونه ای ترسیم می کند که گوئی برای نخستین بار است با چنان پدیده هائی مواجه می شویم.
الیوت می گوید: شعر بیان آزاد احساسات نیست بلکه فرار از احساسات است و از قول دکتر شفیعی کدکنی: گوینده شعر با شعر خود عملی در زبان انجام می دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی یا بقول ساختارگرایان زبان اتوماتیکی تمایزی احساس می کند. علوم ادب و زبانشناسی فقط ساحت های محدود و معینی از یک اثر ادبی را می تواند مورد بررسی قرار دهند و تمایز آن را از غیرش نشان دهند ولی یک اثر برجسته شعری تمایزش درهمان جائی است که نمی توان آن را تفسیر و تعلیل کرد در زبان روزمره کلمات طوری به کار می روند که اعتیادی و مرده اند و توجه ما را جلب نمی کنند ولی در شعر این مردگان، زندگی می یابند و یک کلمه سبب زندگی تمام کلمات دیگر می شود پس هر جا واژه های زبان دارای تشخص شد ما وارد محدوده شعر می شویم.
در پایان اینکه این مطلب از جمله سلسله مطالبی است که در نشست ادبی دوشنبه های نسیم جنوب مورد بحث قرار می گیرند. در آینده سعی می کنیم هر دوشنبه مواردی در رابطه با شعر مورد بررسی قرارداده و متن آن را در نسیم جنوب چاپ نمائیم. از دوستان صاحب نظر در امور شعر دعوت به عمل می آید با ارسال نقطه نظرهای خود با ما همکاری نمایند.
سئوال هفته آینده- سرودن شعر استعدادی است یا اکتسابی؟

مصاحبه با شاعر جوان ندا موسی زاده شاعر نشست دوشنبه های ادبی نسیم جنوب :

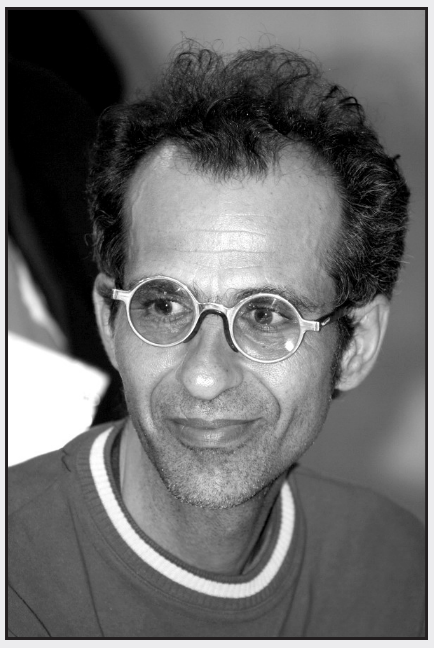
شاعران جوان، دچار رخوت و تنبلی شده اند



– به عنوان سوال الو بفرمائید که چگونه به شاعری رو آوردید؟
– این سوالی است که نمی شود جواب دقیقی به آن داد در واقع شعر در درون شاعر به صورت بالقوه وجود دارد و بالاخره در جایی خود را نشان می دهد. شاعر باید آن را شناخته و کشف کند، بپروراند و به فعل برساند . برای من نیز این اتفاق افتاد.
– چند سال است که شعر می گویید و در چه سبکی شعر می سرایید؟
– شعر همیشه وجود داشته ولی به طور جدی از سال ۸۶ با شرکت در نشست ها و انجمن های ادبی چهره رسمی تری به شعر خود دادم. به دلیل علاقه به شعر کلاسیک و موزون از همان ابتدا به غزل روی آورده و تاکنون هم در این مسیر حرکت می کنم.
– در این راه از راهنمایی چه کسانی سود برده اید؟
– از ابتدای ورودم به نشست های ادبی، آن که بسیار مفید بود شنیدن اشعار شاعران حاضر در نشست ها بود. شنیدن نقدها و نظرات تمام کسانی که شرکت می کردند من را با سلیقه های مختلف و سمت و جهت شعر امروز آشنا کرد. باعث شد سبک های مختلف را بشناسم و مسیر خود را انتخاب کنم. پس از آن هم به طور مستقیم از نقدها و نظرات استاد آرش نیا در مورد اشعارم استفاده می کنم که این نقدها جنبه حرفه ای تری به شعر من داده است.
– فضای شعر بوشهر برای شاعران جوان چگونه است؟
– در بوشهر نشست های مداوم هفتگی برگزار می شود. شاعران جوان در این جلسات شرکت می کنند. کارهای خود را ارایه می دهند. نظرات دیگران را هم می شنوند. اما این کافی نیست. این یک دایره محدود است با افراد محدود. فضای شعر بوشهر در حال حاضر محدود به همین جلسات است. یکی از نیازهای شاعران جوان رساندن اشعارشان به گوش طیف وسیع تری از مخاطبان است. محدودیت در برگزاری همایش ها و شب شعرها این میدان را از شاعران جوان می گیرد. یکی از اقدامات موثری که در این زمینه صوت گرفت برگزاری جشنواره شعر فصل بود که به همت انجمن اهل قلم برگزار شد. عرصه ای برای رقابت میان شاعران جوان بود. این قبیل جشنواره ها باید به صورت منظم و مداوم برگزار شود تا فضا برای رشد شاعران جوان مساعد شود و بتوانند خود و آثارشان را محک بزنند.
– دغدغه شما در شعر چیست و به دنبال چه هستید؟
– شعر یک نیاز درونی است. هیچ کس نمی تواند دقیقا بگوید که چرا شعر می گوید و چه هدفی دارد. شاید شعر در ابتدا خود را به شاعر تحمیل کند اما در نهایت و پس از طی مراحل ابتدایی شعر، این شاعر است که به شعر خود جهت و هدف می دهد. دغدغه من در شعر ابتدا اقناع یک نیاز درونی بود. شاید یک خودخواهی روحی و در این مرحله فقط به دنبال شعر هستم. اما آن شعر در طی مسیر خود دستخوش عوامل محیطی نیز می شود و بعد از این مرحله دیگر «من» شاعر مهم نیست. با آگاهی اجتماعی شاعر، شعر نیز هدفمندتر می شود.
– آینده شعر شاعران جوان را در بوشهر چگونه می بینید؟
– در بوشهر پتانسیل های بسیار خوبی داریم. باید زمینه برای جوانان فراهم شود. باید به شاعران جوان میدان داد. اگر محیط مساعد و مناسبی برای ارزیابی و ارزشگذاری شعر جوان فراهم شود، در مسیر صحیح شعر قرار بگیرند، افراد باسواد و اصلح ناظر بر جریانات شعری جوان باشند، شاعران جوان بوشهری با پتانسیل بالایی که دارند آینده خوبی خواهند داشت. در غیر این صورت جامعه جوان شعری دچار سردرگمی و رخوت خواهد شد.
– چرا دیگر همانند گذشته شاهد روی آوری جوانان به شعر و پرورش شاعران جوان و با انگیزه نیستیم؟
– چون انگیزه های لازم در جوانان به وجود نیامده. یک شاعر جوان که نمی تواند فقط برای خودش و اطرافیانش شعر بخواند، شاعر جوان نیازمند تریبونی برای اعلام موجودیت است. حال این تریبون می تواند یک شب شعر یا جشنواره شعر باشد یا مطبوعات محلی. آن چه مهم است انعکاس آثار جوانان است. البته تا حدودی خود شاعران جوان هم دچار رخوت و تنبلی شده اند. که این می تواند ناشی از دغدغه های زندگی باشد یا عوامل دیگر ...
– سخن پایانی؟
– هفته نامه نسیم جنوب در امر شعر جوان با برگزاری جلسات منظم هفتگی شعر در دفتر این هفته نامه، حق بزرگی به گردن شعر جوان دارد و شاعران خوبی از این نشست ها برخاسته اند و این جای قدردانی دارد.

داریوش غریب زاده کارگردان بوشهری:

صدا و سیما نگاه فرهنگی یا سینمایی ندارد و سطحی نگر است

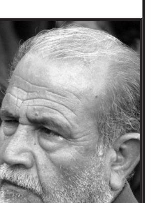


داریوش غریب زاده کارگردان بوشهری در گفت و گو با خبرنگارنسیم جنوب در خصوص عدم حمایت کافی از فیلم سازان می گوید: «شاید راه برای بعضی ها باز باشد که بخواهند مورد حمایت قرار گیرند اما خودشان تمایلی به این کار نداشته باشند. مثلاً خود من تمایل چندانی به حمایت ندارم چون متاسفانه حمایت در این سرزمین به گونه ای است که حتما بخشی از استقلال فکری فیلم ساز از دست می رود. حامی هر کسی که باشد می خواهد نقطه نظرش را در فیلم اعمال کند و اسپانسری وجود ندارد که بدون اعمال نظر خودش، جنبه حمایتی را در نظر گیرد.»
غریب زاده که به مناسبت ۲۱ شهریور روز سینما با خبرنگار ما سخن می گفت، با بیان اینکه در این میان هیچ توقعی نمی توان از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی داشت افزود: «از ارشاد هیچ گونه توقعی نمی توان داشت چون من در جریان کارش هستم و گاهی اوقات برای پرداخت مطالبات کارمندانش هم مشکل مواجه است و من معتقدم که ارشاد پولی ندارد که برای فیلم سازان و سینما گران کاری کند.»
وی با اشاره به حمایت صدا و سیما از فیلم سازان با نارضایتی از عملکرد آن گفت: «بهتر است که در مورد حمایت صدا و سیما حرفی نزنیم چون نمی تواند هیچ گونه خدمتی برای سینما و رشد فرهنگ عمومی کند و وقتی فرزند من سریالی از طریق صدا و سیما می بیند باید کلی توجیهش کنم که این گفته اشتباه است؛ صدا و سیما نگاه فرهنگی یا سینمایی ندارد و سطحی نگر است؛ وقتی در سریال های ما مدام واژه "نامرد" به گوش می رسد چطور می خواهد از فرهنگ حمایت کند؛ به نظر من خود صدا و سیما نیاز به یک آسیب شناسی دارد.»
وی افزود:«صدا وسیما به اثر هنری لطمه وارد نکند حمایت پیشکش؛ برای نمونه فیلم بومرنگ مرا با دستکاری پخش کردند که بعد با التماس تقاضا کردم که فیلم مرا پخش نکنید اما دوباره پخش کردند؛ آن وقت چطور از آنها حمایت بخواهم در صورتی که به آثار ما لطمه وارد می کنند.»

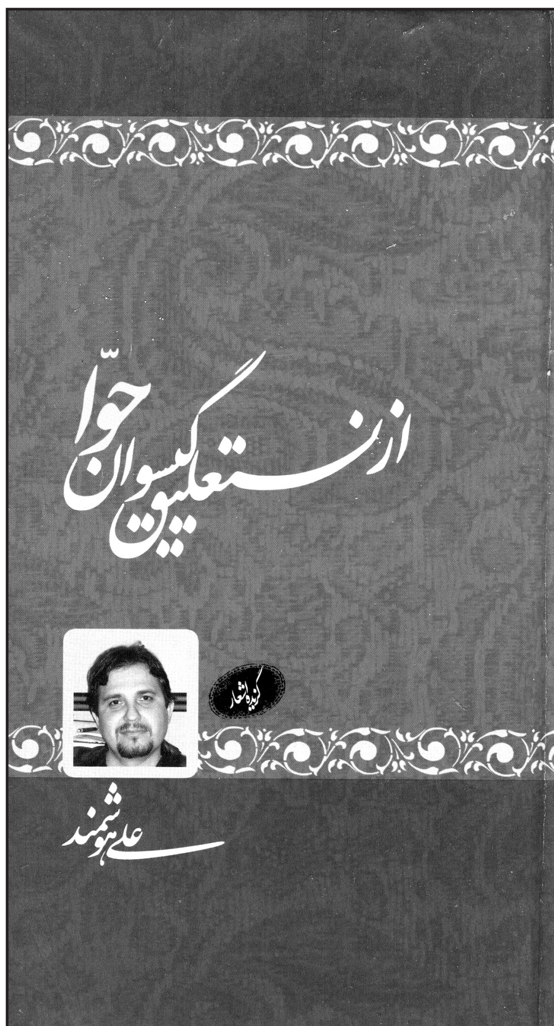
در جنت المأوای کلمات

نگاهی به مجموعه " از نستعلیق گیسوان حوا"، برگزیده اشعار علی هوشمند

اسکندر احمدنیا

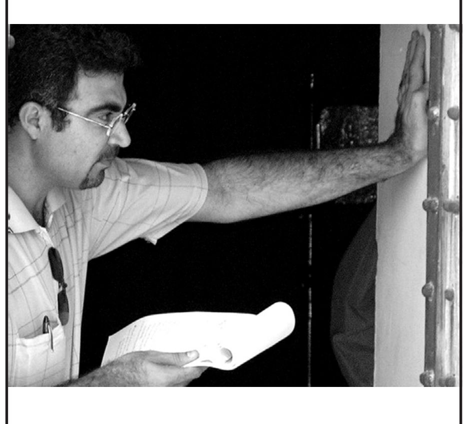


شب چنان کش آمده است که احساسش می کنم و از طولانی شدن اش به گونه ای عجیب خوشم می آید. این شب هر چه با من می کند، به هر جا سر می کشد، از هر خاطره ای می گذرد، عنانش را – گویی با من است- رها کرده ام- می کنم- تا به هر جا که خواست برود، و سر بکشد و ورق بزند و زیر و زبر کند و زیرو رو.....در چنین شبی است که:
« از نستعلیق گیسوان حوا» به میان پریده است و چهره ای دوست داشتنی علی هوشمند را، همچون قدحی به این سوی و آن سوی و به هر گوشه، می گرداند: بت کشمیری ام / طلش گران است/ لبش خرم ترین باغ جهان است.
«نستعلیق زلف» و «بهار جلوه»، لب لعلی را که در «بخارای خیال» تافته است، عجین در «خراسان قدیم چشم ها»، شگفتی را، از «سبک اصفهان» و تازگی را، در «حیرت» انگیزی «تنی» می دهد که: «وصفش خارج از فن بیان است» و « خرام شور رستاخیز»اش، به «نگاهی» بر می خورد که عیان شدن اش، فتنه ای می شود، در نهایت زمان هایی که رفته است، و دریغ است در جایی که دل «خاقان چین دامنی» می شود تا تو بیدار بمانی و لو اینکه: شهید گوشه ی پیراهنی شوی! آری بدجوری، با خواندن اشعار مجموعه ی برگزیده اشعار شاعر خوب سرزمینمان، علی هوشمند، از خودم، از انسان و از همه ی خوبانی که می شناسم، گله مند می شوم، گله؟ چرا؟ به این دلیل که واقعیت گریز شده ایم، با تمام احساس خوبی که به «انسان» و به نوع خود، در هر کجای این غمکده، یعنی جهان داریم! در سر سخن این برگزیده، شاعر نوشته است: «شعر اگر نه آینه ی روزگار باشد، خود شعر نیست، که روزگار را هیچ زبانی به شفافیت شعر ترجمان نبوده است».
بیتی از غرل صفحه ی ۱۵ شفافیت این ترجمان را، رو می کند: این چه تصویری ست کاندر بطن رنگارنگ آن / متن پیغام تمام رنگ ها خاکستر ی ست/ و... و خیلی خوشحال شدم که از این مهربان شاعر دیارمان، بعد از اینکه در آغاز دهه ی هفتاد مجموعه ای از وی بنام «آتش و ارغوان» منتشر گردیده بسیار کم ولی مفید کارهایی در زمینه ی غزل، نیمایی، و سپید را در نشریات محلی و کشوری از ایشان خواندیم. به این مجموعه هم رسیدیم: این قدر که هوشمند در عرصه ی روزنامه نگاری، انرژی بر باد سپرده است، اگر که چند صدم آن را وقف شعر می کرد، آن هم شعری که خود او بسیار گلایه مند است که: هیچ کس این واژه های لال را معنا نکرد/ بس که جلوه کهنه فرهنگ ها خاکستریِ ست/. اکنون حق شاعری، ذاتاً شاعر و پدیده، این گونه نبود که موخره ی برگزیده بعضی از آثارش، اختصاص به درج یک مصاحبه از وی می شود، این مصاحبه را، پرسشگری کارشناس انجام داده است ولی اگر اینکار را نمی کرد، شاعر هیچگاه حاضر به نوشتن مطلبی از خود نمی شد.
در نقد این کتاب دست به قلم نشده ام، از شاعر کتاب می پرسم، چرا این همه کند و دیر؟!
در صفحه ۴ و ۵ دو غزل در پی هم آمده اند که به نوعی سوگ ناله می مانند. اولی: این جا تمام لحظه ها خاکستری رنگ اند / آیینه های روی رف دلگیر و دلتنگ اند / و دومی که من در نوشتن، اولی از صفحه ۵ نمونه آوردم: بس که آفاق نگاه سنگ ها، خاکستری ست / هر چه می بینند این دلتنگ ها، خاکستری ست./ فاصله ای افتاده است میان «هوشمندِ» غزلِ «بت کشمیری» و «بوی ترانه ازل» که در صفحات ۱۱ تا ۱۳ کتاب آمده است. مأیوس سرایی شاعر در صفحه ی ۱۴ با غزل شماره ۳ موید این موضوع است که : شاعری فواره آسا، از اوج احساس های شاعرانه اش و نهایت ظهور جنون خاص شاعری – که نجابت بالایی است در شعر- ناگهانی در دست اندازی می افتد که وقتی به شناسایی اش برمی خیزی، تفاوت از زمین تا آسمان را مشاهده می کنی، اگر چه این شاعر، علی هوشمند دارای زبان مستقل باشد! مخاطب رشته ی ذوقش می برد، وقتی از بام پروازهای بلند شاعر، فرو می افتد، ولی شاعر ادله ی «در تب و تاب» غوطه خوردن را این گونه می گوید: کوچه آن کوچه ی قدیمی نیست / کوچه با درد و داغ هم رنگ است/ کوچه میعادگاه دل ها بود/ حال میعادگاه نیرنگ است/(ص۱۴)، زبان هوشمند سرشار از ویژگی های خاصی است، سر راست، دارای ایهام، واژگانی کاملاً امروزی، دارای استعاره و بسیار تجربی، ایهام های او با وجود کارکرد آرکائیکی (در دایره واژگانی) مدرن اند: ای شانه هایت تکیه گاه گریه های من / در روزهای ابری و شبهای بارانی/ گیسو پریشان کن- پریشان تر- که می خواهم/ تا زنده ام خوش بگذرانم در پریشانی/ این جا دلم خون است، باور کن عزیز من/ این جا دلم خون است از دل های سیمانی/ (صفحات ۴۸،۴۹ شعر شماره ۲۰)، تنهایی بخشی از دل مشغولی های شعری اوست، و همیشه گفته است «تراکتور تنها» و اینجا: چشمان انتظارم را از روی برف برمی دارم/ و خیره می شوم به آن دوچرخه تنها/ (ص ۵۰ ش ۲۱)، با وجود این که ذهن و زبان شاعر از «بت کشمیری» که یکی از بهترین های ماندگار غزل معاصر است گاهی خاکستری می شود، اما او انسانی همیشه در انتظار است: آه / تنها پلاکی و استخوانی و جورابی / سهم من از آن همه بی خوابی/ آن دورها/ ستاره ای شاید...(همان ص ۵۰ و۵۱)، در کارهای او اغلب نمایه ای شاخص از شاعری است با تخیلی قوی و شناختی از انواع سبک و سیاق ها، که باعث شده است، تا او با هر لحن آهنگ گذاری شده در ذهن خود از طریق پل زبان، با تعبیراتی پر از نشانه و بیشتروقت ها، آسان فهم اما عمیق، بسراید: حسین نام گلی بود و ما ندانستیم/ حسین نام گلی بود/ که بامداد بهشت از نسیم خرم او/ ... (ص۵۴) و نمونه دیگر در صفحات ۵۸و۵۹: و در این دایره ی نمناک / سرم گیج می رود/ و فشار خونم بالا می آید/ به تراکتوری تنها/ که روزگار/ مجالش نداد/ تا دیپلم بگیرد/ به تراکتوری تنها/ که کتاب هایش را شخم می زند./ و به گونه ای شوریده واری تر، در صفحه ی ۷۸ مجموعه: نیشابور چشم های تو اگر نبود/ من چنگیز معصومی نمی شدم/ و به غارت آن همه ملاحت هم/ اگر می آمدم/ با یک جعبه شیرینی و/ چند شاخه گل سرخ/ برای تو که خیلی شعری/ خیلی/ و باز در صفحه ی ۸۰: تا برگردم از خواب ستاره و / خیال گل ابریشم/ مشتی از دریا برمی گیرم/ و کفی از آینه/ و می ایستم سر راه تو/ تا باران ببارد.
شاعر با این زبان هیچ گونه تنزلی از خود نشان نمی دهد و خیلی سریع از شعر اجتماعی به تغزلی های پرشور روی می آورد و این لحن تغزلی، که گاهی آهنگی حماسی هم به خود می گیرد، در کارهای او کم نیستند: زینو/ بانوی دشت های دشتستان/ شیراوژن / اشکفت های جاشک/ بانوی گندمزار/ بانوی جنگ/ بانوی کار/ می آید/ با قامتی به هیبت فریاد/ (ص۱۰۲) و در ادامه: زینو/ بانوی گرمسیری شعر جنوبی ام/ دل رامیان دست فشرده/ چون گردباد/ می پیچد و می آید/ در زیر گام هایش/ زمین ترک برمی دارد/ از هر ترک/ صد لوله تفنگ/ دهان می گشاید/ در چشم های روشن استواییش/ اسب آفتاب/ شیهه می کشد/(ص۱۰۳) در این مجموعه برگزیده، تقریباً انواع شعر ها را هوشمند گنجانیده است.من نه توانایی اش را دارم و نه بناست که آن قدر مشرف را بر ارایه ی نظر باشم که درانواع آن دخالت کنم، اما، این شاعر که تخیلی قوی دارد، فضای اجتماعی سرایی پر از طنزی را میان خود و مخاطبش باز می کند: ترانه هایش را/ به نشانی حلبی آبادهای جهان/ پست می کند /(ص۱۱۸) و در صفحه ی ۸۸: من بارم را بسته ام/ من بارم را بسته ام/ بیش از آن که زن ها/ بیایند قطار قطار/ و حرفها/ از حوصله ی فک ها/ بگذرند/ و شب بنشینند/ در فنجان های نشُسته/.
در پایان این اظهار نظر(یاداشت یا هر چیز دیگر...) چند بند از یک شعر ماندگار این شاعر(از صفحه ۶۸) را می آورم و با هم بندهایی از آن را مرور می کنیم:
جهان مجال تلخی بود/ درنگی کوتاه/ در پسینی پر از اندوه/ تا تو سر بکشی از سایه/ و شیرین بیفتی/ از شاخه های غروب- رسیده تر از ماه به نیمه چهارده/ سیب به هبوطی جاودان/ انار به لبخندی سرخگون و/ بی مضایقه/ تنگ بود جهان/ و مجال اندک/ برای تو که شقیقه ات/ «مهندس بهشت حیات» بود/ و شوخی کلمات از دهانت / به جنت المأوا می ریخت./



رضا صافی کارگردان بوشهری:

مشکل سینما وابستگی به دولت است



رضا صافی کارگردان و فیلم ساز بوشهری در مصاحبه با نسیم جنوب در خصوص عدم حمایت کافی از فیلم سازان گفت: مگر از چه قشر یا اقشار دیگری حمایت می شود که فیلم سازان یا سینما گران منتظر حمایت باشند. مشکلات ما ساختاری تر از این است که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر کاری انجام دهد. ساختاری تر از این است که با تغییر مدیرکل اتفاق خاصی بیفتد.
وی که به مناسبت ۲۱ شهریور روز سینما با خبرنگار ما سخن می گفت افزود: مشکل اساسی سینمای ایران این است که سینما به شدت وابسته به دولت است و با تغییر دولت جریان سینمایی و فرهنگی تغییر می کند؛ سینما زمانی می تواند بالنده باشد که یک جریان متکی به خود داشته باشد. نیاز اول سینما برای متکی بودن به خودش این است که نیاز مالی و اولیه اش رفع شود.

دو فیلم از کارگردانان بوشهری در جشنواره بین المللی فیلم رشد

معاون دفتر انجمن سینمای جوان بوشهر گفت: دو فیلم " یک نفس" و " راز نیاز " از کارگردانان بوشهری به سی و نهمین جشنواره بین المللی فیلم رشد راه یافت.
زینب عربی در گفت وگو با ایرنا افزود: براساس گزارش دبیرخانه سی و نهمین جشنواره بین المللی فیلم رشد فیلم های یک نفس به کارگردانی عبدالرحیم صاحب الفصول و راز نیاز به کارگردانی محمد سلیمی راد از دفتر انجمن سینمای جوان بوشهر به بخش مسابقه این جشنواره راه یافته اند.
عربی یادآور شد: کشورهای فرانسه، ایتالیا، انگلیس، آلمان، ژاپن، هند، سوئد، کانادا و نروژ به ارایه فیلم در بخش‌های مختلف این جشنواره اقدام کرده‌اند.
این مقام مسوول اضافه کرد:این جشنواره از روز هشتم آبانماه و همزمان با ولادت ثامن الائمه (ع) در سینماهای تهران برگزار خواهد شد.

با پزشکان بوشهری

دکتر فرزانه متخصص پاتولوژی:

لحظات شیرین زندگی پزشکان تشخیص و درمان بیماری است



محمد رضا فرزانه متولد ۱۳۴۶ در بوشهر است، وی تحصیلات پزشکی عمومی را در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۲ فسا و شیراز گذراند و تخصص پاتولوژی خود را د سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۸ دانشگاه علوم پزشکی شیراز گرفت. نظرات وی را در زیر در مصاحبه با نسیم جنوب می خوانید:

سخت ترین کار پزشک

اصولا تمام کارهای پزشکی از قبیل تشخیص و درمان علاوه بر شیرینی سخت هم هستند ولی شاید تشخیص بیماریهای نادر نیاز به دقت عمل مطالعه و بنا به تبع سخت خواهد بود.

سخت ترین لحظات پاتولوژیستها

- سختترین لحظات برای پاتولوژیستها جوابهای اورژانسی است که باید جواب زودتر از موعد مقرر آماده شود، لذا ما مجبور هستیم علاوه بر سرعت از صحت آن هم اطمینان حاصل کنیم تا صدمه ا ی متوجه مریض نشود. در کل لحظات سخت و طاقت فرسا در رشته پزشکی زیاد است.

انتظار پزشکان از مردم

انتظار پزشکان از مردم صبر و حوصله در بیماری و جدی گرفتن علائم بیماری است.

دلسوزی پزشکان

در کار مداوای بیماران حتما کاستی هایی وجود دارد ولی به هیچوجه با این نظریه که پزشکان دلسوزی کافی را برای مداوای بیمارانشان ندارند، موافق نیستم چون شاهد تلاشهای شبانه روزی همکاران عزیزم هستم.

پول یا سلامتی

حتما در پزشکی مسائل مالی اهمیت دارد ولی همه میدانند تعداد زیادی از همکاران ما در بخش دولتی خدمت میکنند ومراجعین از اینان کمال رضایت دارند لذا این ادعاکه پزشکان برای پول بیشتر از سلامتی بیماران اهمیت قایل هستند را قبول ندارم.

مهمترین تعهد

مهمترین تعهد پزشک خدمت به مریض وجلب رضایت وی است و لحظات شیرین زندگی پزشکان تشخیص و درمان بیماری است.

یک مشکل بزرگ

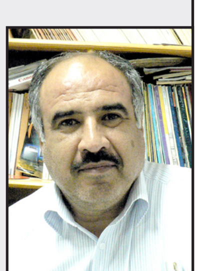
یکی از مشکلات بزرگ ما ارتباط مالی با مریض است که باید متصدی آن دولت و بیمه ها باشند، مثل بسیاری از کشورها.

کمبود متخصص

بوشهر هنوز به متخصصین نیازمند است و علیرغم زحمات و تلاشهای فراوان صورت گرفته هنوز همشهریان ما برای مداوا به استانهای مجاور مراجعه می کنند.

مصاحبه با دکتر منوچهر قیصی زاده رئیس بیمارستان بوشهر(۲):

گرما زدگی و چگونگی درمان آن



- عوارض ناشی از گرما زدگی خفیف چیست؟
- سردرد، سرگیجه، احساس گرما همراه با گرفتگی عضلات از نشانه های گرمازدگی خفیف می باشد که بعضاً امر تشخیص را برای پزشک مشکل می سازد.
- چگونگی درمان گرمازدگی خفیف چگونه است؟
- درمان گرما زدگی خفیف شامل استفاده از مایعات، قرار گرفتن در محیط خنک، کم کردن لباسهای بیمار، قرار گرفتن در وضعیت نیمه خوابیده و تکیه سر و شانه ها به بالش بزرگ می باشد.
- عوارض ناشی از گرما زدگی شدید چیست؟
- بی قراری، غش، تنفس غیرعادی و نبض تند و سریع و نهایتاً کاهش سطح هوشیاری و بی هوشی عمیق به علاوه علائم گرما زدگی خفیف از علائم گرما زدگی شدید می باشد.
- چگونگی درمان گرما زدگی شدید چگونه است؟
- هدف از درمان در گرما زدگی، کاهش درجه حرارت بدن مصدوم با سرعت هر چه تمام تر و اصلاح اختلافات الکترونیکی خون و جبران کم آبی بدن است. لذا تزریق مایعات حاوی الکترونیک و قرار دادن بیمار در محیط خنک با تهویه مناسب و درمانهای حمایتی جهت کاهش تب، تهوع و گرفتگی عضلات را شامل می شود.
- چه توصیه ای برای مردم در فصل تابستان دارید؟
- به طور معمول در سیستم گردش خون یک فرد بزرگسال، شش لیتر خون وجود دارد. که حجم عمده خون را آب تشکیل می دهد. بدن انسان از چندین راه آب خود را از دست می دهد که در فصل گرما، تعریق از مهمترین و عمده ترین راه های از دست دادن آب بدن می باشد حال با توجه به اهمیت نقش آب در بدن و افزایش تعریق در فصل تابستان جایگزین این عنصر حیاتی بدن توسط نوشیدن مایعات و آب مورد نیاز بدن بهترین راه حفظ سلامت در فصل تابستان است ضمن این که خودداری از قرار گرفتن طولانی مدت در معرض هوای گرم و مرطوب و نور آفتاب و محیط های دارای هوای گرم و فاقد تهویه مناسب از دیگر توصیه های مهم به مردم عزیز در این فصل می باشد.
- وضعیت این بیماری در بوشهر چگونه است؟
- با توجه به ارتقاء سطح آگاهی مردم عزیز و اطلاع رسانی های لازم توسط مسئولین مربوطه و پیشرفتهای تکنولوژیک در لوازم زندگی روزمره، به ندرت شاهد بروز این بیماری در بین شهروندان بوشهری می باشیم.
- تلفات آن در بوشهر چگونه است؟
- با توجه به مطالب، فوق بحمدا... تاکنون تلفات ناشی از این بیماری در استان مشاهده نگردیده است.

مصاحبه با دکتر سید علی طبیب، پزشک قدیمی و دلسوز بوشهری:

مبارزه با بیماری با دستان خالی

مصاحبه از نسیم فقیه - (بخش نخست)



- لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
- من سیدعلی طبیب فرزند سید محمدجعفر طبیب متولد ۱۳۰۶ شهر بوشهر، دوره دبستانم را تا سال سوم دبیرستان در مدرسه سعادت ملی گذراندم. سال سوم به بعد و چهارم متوسطه در بوشهر نبود، لذا به ناچار به شیراز رفتم، آبان ماه سال ۱۳۲۱ فکر می کنم بود که رفتم شیراز - دبیرستان شاهپور شیراز - البته سال چهارم به علت گرفتاریهایی درجا زدم و تجدید شدم، سه چهار ماده تجدید شدم و برگشتم بوشهر که درس بخوانم اما در راه برگشت در اثر پرتاب شدن از کتل دختر، پای راستم شکست، ۱۵ الی ۱۶ سال داشتم که مرا درمان محلی کردند. وسایل آن چنانی که نبود و مجبور شدیم به شکسته بندی در کازرون برویم که پای من را بست و پای من را جا انداختند. خلاصه این اتفاقات باعث شد که در سال چهارم مردود شوم. سال پنجم و ششم دبیرستان رفتم تهران و در دبیرستان البرز تهران تحصیل کردم.
- در چه سالی وارد دانشگاه شدید؟
- سال ۱۳۲۶ در کنکور سراسری شرکت کردم و موفق شدم وارد دانشگاه پزشکی تهران شود. آن وقت فقط دانشگاه تهران بود که منحصر به فرد بود. ۶ سال بعد فارغ التحصیل شدم. با پسر عمویم دکتر سیدحسین طبیب - پزشک عمومی گرفتم سال ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ من موفق شدم دکترایم را در «اثرات خونی آنتی بیوتیک ها» بگیرم که تز من درباره کم خونی هایی که به علت اریتومایسین و ... به وجود می آیند، بود.
- در چه سالی در بهداری استخدام شدید؟
- سال ۱۳۳۳ من در وزارت بهداری تهران در بوشهر استخدام شدم. اولین طبیب «MD» بودم پدر و پدر بزرگ و عمویم دانشگاهی نبودند ولی همه شان به زبان انگلیسی کاملا مسلط بودند و در امر طبابت حاذق بودند. داروهایشان را از انگلستان و فرانسه و آلمان می آمد و این طور نبود که خودشان چیزی سر هم کنند و به مریض بدهند. تشخیص شان روی حساب بود در امر طب برای تهیه داور از آب تصفیه شده استفاده می کردند. داروهایی که ترکیب می کردند با آب تصفیه شده بود. من هم از روی علاقه ای که داشتم به امر طبابت رو آوردم.
- از چه سالی در بوشهر شروع به طبابت نمودید؟
- درست یادم می آید روز ۱۳ فروردین سال ۱۳۳۳ که سیزده بدر بود برای طبابت یکی از اعضای یک خانواده رفتم. یکی از اعضای این خانواده گرفتار بیماری گوارشی شده بود و دفع نمی توانست بکند. من رفتم متوجه درمان شدم و دوای درد شان را دادم و رفع شد که این یک دختر بچه ای بود از آن خانواده. من ماه اول طبابتم یک مریض داشتم.
- محل طبابت شما کجا بود؟
- آن جا محلی بود محل فروشگاه قماش بود و کنار مسجد شیخ سعدون در بافت قدیم شهر، که بعدها دادیم به وزارت سازمان مسکن و شهرسازی.
- خانه پدری شما کجا بود؟
- خانه پدری من کنار باسیدون ساختمان مرکز ایران شناسی بوشهر، جنب منزل حاج اکبر مهربان.
- چه شد که به طبابت علاقمند شدید؟
- خوب این امر در خانواده ما ارثی بود. پدربزرگ و عمویم و پدرم همه به امر طبابت مشغول بودند. حتا بچه های من هم به پزشکی علاقمند شدند. دکتر مسعود طبیب فوق تخصص گوارش در بیمارستان فاطمه زهرا و بنت الهدی کار می کند. دکتر محمد صالح طبیب هم در بیمارستان علی اصغر فوق تخصص اطفال و نوزدان مشغول به کار است و خانواده ما تقریبا همه به امر طبابت روی آوردند. پدر بزرگ من محمد صالح و عمویم که پدر خانمم هستند همه طبابت می کردند.
- آیا پدر و عموی شما از داروهای گیاهی هم استفاده می کردند؟
- بله، از گل گاوزبان بارهنگ و این ها داروهای گیاهی ایرانی و سنتی بود که داشتند و در امر طبابت کمک می کردند. مثل شیر خشت که مکتب آنگلاساکسون و مکتب اکو فرانسه و حتی روسها دواهایی مثل شیر خشت را همه آن را قبول داشتند. همه آن ها عطاری هم می دانستند، گیاه شناسی می دانستند و می دانستند که چه چیزی را می خواهند تجویز کنند .
- وضعیت درمانی بوشهر در آن سال ها چگونه بود؟
- وضعیت درمانی که خیلی خیلی ضعیف بود. اصلا درمان فقط توسط سید جعفر پسر عمویم و سید محمد صالح و سید محمد جعفر انجام می شد که با کمال علاقه و با ایمان کامل برای مردم کار انجام می کردند. یک بیمارستان هم در محله کوتی بود که مردم مراجعه می کردند. مردم همه به پدر و عمویم ایمان داشتند. در مورد جراحی و ... مردم به بیمارستان کوتی مراجعه می کردند. وضعیت خود اداره بهداری بوشهر هم خیلی بد بود. البته همه جا این طور بود و با کمبود امکانات مواجه بودند که آن وقت اداره بهداری در قرنطین عثمانی که شیر خورشید و الان هلال احمر است، بود.
- مریضی های رایج آن زمان بیشتر چه بوده و چه عواقبی برای مریضان به همراه داشت؟
- مریضی های آن وقت مالاریا، بیماری های عفونی روده ای مثل حصبه تیفوئید و پارا تیفوئید و اشباه (شبیه) حصبه منتشر می شدند. دیگر امراض انگلی پیوپ بود. من یاد ندارم و پدرم هم یاد ندارد که در بوشهر باشد، یک انگلی است که وارد بدن میشود و یک رشته ای بود در بندر عباس و بندر لنگه بود. امراض انگلی و عفونی بود که از آب بود و ویروس انواع و اقسام بود. ویروسها همیشه بودند که بیشتر مالاریا بود.
- وضعیت امکانات پزشکی و خصوصا دارو در آن زمان چگونه بود و شما داروهای خود را از چه طریقی تهیه می کردید؟
- وضعیت دارو خوب نبود، حتی زمان شاه وضعیت دارو خراب بود. ما با خرج خود مریض از پنی سیلین استفاده می کردیم، باید نسخه می نوشتیم و می رفتند از داروخانه تهیه می کردند و ما تزریق می کردیم. داروها بودجه اش کم بود و داروهایی هم در سطح ممکلت نبود. من دانشکده پزشکی رفته بودم و به همراه سید حسین طبیب دانشکده دیده بودیم در سطح دکتر «MD» بودیم، اما دندان پزشک نداشتیم. فقط پزشکیار داشتیم و تکنسین های دندان پزشکی هم بعدها به بهداری آمد.
- مراتب پزشکی چگونه بود؟
- اول پزشک، بعد بهدار، بعد پزشک یار.
- چند بهدار در بوشهر بود؟
- برازجان یک بهدار داشت، کنگان یک بهدار داشت، دیر و گناوه یک بهدار داشت.
- حتما برای مداوای بیماران در بیرون از شهر بوشهر با سختی روبرو بودید؟
- بله، من خودم برای رفتن به عیادت یک زنی در روستای دالکی که جفت فرزندش در شکمش باقی مانده بود و بیرون نمی آمد با ماشین باری رفتم. من بعد از چهار ساعت با ماشین باری نصف شب رسیدم دالکی. آن موقع جاده ها که آسفالت نبود و جفت او را با پوراژ(بیرون آوردن جفت با دست) (کورتاژ که بیرون آوردن جفت با دستگاه است) جفت را صحیح و سالم بیرون آوردیم و با پیش نخل و آب جوش آوردیم در یک دیگ معمولی و داروی ضد عفونی هم با خودم برده بودم. دوره قبل از انقلاب درمانگاه دالکی تبدیل شد به یک مرکز بزرگ سپاه بهداشت که چند دکتر زیر دستش بود، خود همین دالکی. در برازجان هم یک بیمارستان بزرگی ساخته شد و تمام دکترای متخصص از تهران می آمدند و در آن جا طبابت می کردند.
- قضیه کشته شدن مردم روستای شورکی در اثر بیماری چه بود، و چگونه جلوی آن را گرفتید؟
- گفتند بیماری طاعون آمده در روستای شورکی و جان ۱۸ الی ۲۰ جوان را گرفته است، من به روستای شورکی رفتم. کسی که از علت آن خبر نداشت و نمی فهمید که علت این مرگ و میر چیست. آن موقع در اطراف روستا دیواری می کشیدند که زمستان وقتی باران می آید پشت آن دیوار آب جمع شود برای مصرفشان. در آن آب، حیوانی افتاده بود و مرده بود و لاشه اش در آب باقی مانده بود و مردم بدون اطلاع از این امر از آب آن استفاده می کردند و همین باعث مرگ و میر شده بود و اگر ما به این مسئله پی نبرده بودیم طاعون سرتاسر روستا و روستاهای اطراف را فرا می گرفت و افراد بیشتری می مردند و جوانان و کودکان بیشتری در اثر آلودگی این آب از بین می رفتند. خلاصه ما رفتیم و جلوی این فاجعه را گرفتیم.
- اعتماد مردم نسبت به پزشکان چگونه بود؟
- مردم بوشهر عجیب به عمویم و پدرم اعتقاد داشتند. اعتماد نسبت به این دو برادر سید محمد صالح و سید محمد جعفر بسیار زیاد بود. مردم به غیر از اینکه از انگلیسی ها نفرت داشتند از بیمارستان شان هم نفرت داشتند و کمتر به بیمارستان انگلیسی ها مراجعه می کردند و بیشتر در این بیمارستان بیماری های عفونی و آبسه و جراحی کوچک انجام می دادند. مردم می گفتند که فقط آن ها داروی گرم می دهند و اعتقادی به انگلیسی ها نداشتند، و اعتقاد عجیبی به عمو و پدرم داشتند.
- البته آنها هم زحمت و دلسوزی زیادی داشتند.
- آن موقع دلسوزی و پشتکار زیاد بود. یادم می آید آقا رجب علی فروزانی رییس مبارزه با بیماری مالاریا بود. ایشان حتی خودش می رفت پشه های آنوفل که تزریق کننده انگل مالاریا هستند از چاه های دشتی و دشتستان جمع آوری می کرد و جان خودش را به خطر می انداخت و من این ها را فراموش نمی کنم و باید از آن ها تقدیر شود. من به دانشگاه پزشکی بوشهر نوشتم که باید از این ها تقدیر شود، این ها جان خودشان را در این راه به خطر می انداختند.

دکتر سید علی طبیب، پزشک عارف

دکتر سید جعفر حمیدی



استان بوشهر از قدیم جایگاه زایش و پرورش نیکان و نخبگان و اندیشه وران بوده و هست. اگرچه به واسطه دوری از مرکز و پایتخت کشور و به سبب حجب و حیای شهرستانی معمولاً نخبگان و دانشمندان این منطقه در نوعی گمنامی قرار گرفته اند اما این عامل وسیله دلسردی و عقب ماندگی این صاحبان خرد و اندیشه نشده است. خاندان های خدمتگزاری در این استان بوده و هستند که موجد و واضع خدمات گرانبهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... بوده اند. یکی از این خاندان ها که نسل در نسل اهل علم و طبابت بوده و از رهگذر علم طب نام و نام خانوادگی خود را هم طبیب گرفته، همین خاندان گرانقدر طبیب است که به بوشهری بودن خود نیز می بالند و تابلو برنجی سر در مطب زنده یاد دکتر سید جعفر طبیب بود «مطب طبیب بوشهری».

سید عبدالرضا طبیب (حافظ الصحه) فرزند سید محمد صالح از اطبای حاذق و سرشناس و دل سوز بود که علاوه بر حرفه پزشکی، مروج علم و دانش و تعلم و تربیت در بوشهر نیز بود. حافظ الصحه مدت شانزده سال از وکلای مدرسه سعادت بوشهر و دل بسته و علاقمند به توسعه و پیشرفت این مدرسه بود. (معلم مدرسه موضوعه، آقا میرزا محمد حسین (سعادت) که شخصی است معمر و مقدس و به زیور علم آراسته، مدیر مدرسه آقا محمد صاحب تاجر و امین صندوق و ذخایر آقا سید عبدالرضا حکیم باشی قرار یافته و این سه نفر از خوبان این شهر هستند و وطن پرستی شان محتاج توصیف نمی باشد (روزنامه حبل المتین سال هفتم ۱۳۱۷ شماره ۲۲ ص۱۲).

سید عبدالرضای حافظ الصحه دو پسر داشت، سید محمد صالح و سید محمد جعفر که هر دو پزشک و از اطبای مشهور بودند. سید محمد صالح پزشک بهداری بوشهر بود و سید محمد جعفر در محله بهبهانی مطب داشت. به یاد دارم که در دوران کودکی هر وقت مریض می شدم، چه من و چه برادرم، مادرم ما را به مطب طبیب بوشهری می برد. بین دکتر و بیماران دریچه ای بود و دکتر روی صندلی چرخان که ما تا آن زمان ندیده بودیم نشسته بود، گاهی رویش به طرف مریض و گاهی با چرخش صندلی رویش به طرف میز کارش بود و نسخه می نوشت و دوا تجویز می کرد و ما محو تماشای صندلی چرخدار می شدیم و بیماری را فراموش می کردیم. سید جعفر طبیب اسم همه بوشهری ها را می دانست و بیماران را با نام کوچک صدا می زد. همان گونه که پسرش آسید علی هم بوشهری ها را با اسم کوچک می شناسد. یادم هست که روزی مادرم مرا به مطب آقای سید جعفر برد. من در تابستان آن سال دچار گرمازدگی شده بودم، دکتر تا مرا دید سر مادرم داد زد که مادر سید جعفر چرا گذاشتی بچه تو آفتاب برود و گرما زده شود. یک شیشه دوا از شیشه های بزرگی که کنار میزش بود پر کرد و داد به مادرم و گفت روزی سه قاشق از این دوا بده به سید جعفر، ضمناً آب خیار چنبر و آب خیار و لیمو شیرین را بگیر و به او بده و من هاج و واج مانده بودم مگرمی شود آب بالنگ و کلبنده و مدنی را گرفت و چرا آقا اسم ها را اشتباه گفت و مادرم می گفت بی سواد، ما اشتباه می کنیم. آقا درست می گوید. در ضمن، چشم از صندلی چرخان آقا برنمی داشتم در عین حال با خودم می گفتم این یک معجزه است که صندلی می چرخد. از سال ها پیش که افتخار آشنایی با دکتر سید علی طبیب دارم تا امروز هنوز هم مرا با نام آ سید جعفر صدا می زند و برادرم را آسید کاظم می گفت.

آقا سید علی طبیب و سایر اعضای خاندان طبیب مثل زنده یاد دکتر سید حسین طبیب از افتخارات بوشهرند.

آقا سید محمد جعفر طبیب بوشهری صاحب دو فرزند بود دکتر سید علی طبیب و شریعت بیگم طبیب. آقا سید علی طبیب متولد سال ۱۳۰۶ ش. در بوشهر است که دوران دبیرستان را در دبیرستان سعادت گذرانده و پس از فراغت از تحصیلی پزشکی از دانشکده پزشکی تهران به بوشهر آمد و بیش از چهل سال به مردم بوشهر خدمت کرد و هرگز به جایی دیگر نرفت و هنگامی که بازنشسته شد مقیم تهران گردید ودیگر هرگز طبابت نکرد و گاهگاهی دیدار دکتر و همسر مهربانشان جهان خانم طبیب صبیه دکتر سید صالح طبیب در تهران به ما بوشهریها التیام می بخشد.

خلاقیت و مهارت دکتر سید علی طبیب به طوری است که زمانی که در بوشهر مطب داشت، همیشه محضرش مملو بود از جمعیت بیمار که از گوشه و کنار استان می آمدند و دکتر تا پاسی از شب در مطب بود. بیماران اعتقاد داشتند اگر سید آنها را معالجه هم نکند همین که نظرش به بیمار بیفتد بیمار شفا می یابد. می گفتند ما هم برای دوای سید به مطبش می رویم و هم برای شفای جدش. اعتقاد مردم بوشهر با این که سال ها است آسید علی از بوشهر رفته هنوز نسبت به او تغییر نیافته است. جالب اینجا است که آسید علی هر وقت به بوشهر می رود تا آن جا که می تواند به همه بوشهریها سر می زند و حال و احوال همه را می پرسد. دکتر سید علی طبیب که پدر و پدر بزرگ و عمو و عمو زاده اش و بیشتر افراد فامیلش و دو فرزند برومندش سید محمد صالح و سید مسعود پزشک بوده و هستند، مردی است که علم و دانش و معرفت و انسانیت را یک جا جمع کرده، بسیار متواضع و بی ادعا است و هیچگاه کسی یک کلمه که دلالت بر تعریف و تحسین خود و خاندانش باشد از دهانش نشنیده است. دو فرزند دیگر دکتر سید علی طبیب یکی سرهنگ سید محمد طبیب است و دیگری فروزنده خانم طبیب که خود در کارهای پزشکی و همسر دکتر ابراهیم عصفوری است. گفتم که سید عبدالرضا حافظ الصحه دارای دو پسر بود دکتر سید محمد جعفر و دکتر سید محمد صالح که فرزند ارشد بود. دو دختر نیز داشت به نام های بی بی مریم بیگم و بی بی شاه بیگم.

دکتر سید محمد صالح نیزدارای ده فرزند بود. زهرا بیگم (بی بیه) همسر زنده یاد آقا سید ابوالمعالی بلادی، خیرات الزمان، سید حسن طبیب، شادیاد دکتر سید حسین طبیب(دندانپزشک) سید جمال الدین طبیب، سید کمال الدین طبیب، سید عبدالرضا طبیب (شاعر و محقق)، سید رازی طبیب (دانشمند علم طبیعی)، جهان خانم طبیب (همسر دکتر سید علی طبیب) و پروین خانم طبیب (همسر دکتر رضا علوی). فرزندان این عزیزان نیزهمه تحصیل کرده، اهل علم و دانش و دارای تحصیلات عالیه هستند. اطلاعات کامل را از دوست عزیز و دانشمندم آقا سید رازی طبیب به کوشش فرزند برومندشان آقا سید کمال الدین طبیب دریافت داشته ام که بعداً شجره نامه کامل خاندان طبیب را که این دو عزیز تنظیم نموده اند در چاپ دوم فرهنگنامه بوشهر ضبط خواهم کرد. از این خاندان بزرگ آنها که رفته اند مشمول رحمت واسعه الهی باشند و آنها که در حیاتند عمرشان طولانی و وجودشان به سلامت و در پناه خداوند باد.

آنفولانزای خوکی در مصاحبه با دکتر خواجه ئیان معاون بهداشت استان بوشهر(۲):

چگونه در مقابل بیماری آنفولانزای خوکی ایمن شویم



- چگونه میتوان خود را در مقابل بیماری آنفولانزای خوکی ایمن نمود؟
- تا کنون واکسن خاصی برای این نوع بیماری ساخته نشده است و انواع قبلی واکسن آنفلوانزا دربرابرآن ایمنی ایجاد نمیکنند،لذا درحال حاضربهترین راه ودر واقع تنها را پیشگیری از ابتلاء به بیماری رعایت نکات بهداشت فردی ومحیط است از جمله:

-شستشوی مکرر دستها با آب وصابون ودرصورت عدم دسترسی به آب با استفاده ازژلهای تمیز کننده بویژه پس از سرفه وعطسه وتمیز کردن مجاری تنفسی
-پوشاندن جلوی دهان و بینی به هنگام عطسه و سرفه کردن با یک دستمال کاغذی ودورانداختن آن پس از مصرف
-درصورت همراه نداشتن دستمال ، هنگام عطسه یا سرفه قسمت داخلی آرنج خود را در برابر دهان و بینی بگیرید تا



دستانتان آلوده نشوند
-عدم حضور در اجتماعات در زمان ناخوشی
-خودداری از تماس نزدیک (دست دادن وروبوسی کردن و...) با افراد بیمار و یا مشکوک به بیماری

- اگر یکی از اعضای خانواده بیمار شد چه کنیم؟
- دراین مورد هم ضمن رعایت موارد و توصیه های بهداشتی فوق الذکربهتر است یکی از افراد خانواده مراقبت از بیمار را بعهده بگیرد.این فرد ضمن رعایت فاصله حداقل یک متر ازبیماربااید از دستکش یکبار مصرف و ماسک مناسب استفاده کند.شستشوی مکرر دستها توسط افرادخانواده،تهویه مناسب اطاقها وحتی الامکان خودداری از عیادت بیمارتا ۲۴ ساعت پس از بهبودی از نکات مهم قابل ذکر است.
- ویروس چه مدت میتواند در محیط بیرون باقی بماند وبیشترین مکانهائی که امکان آلودگی دارد کجاست؟
- ویروس آنفلوآنزا می‌تواند تا چندین ساعت روی سطوح باقی بماند و از دست و صورت بیماران منتقل شود.بهمین دلیل وسایلی که مورد استفاده فرد بیمار قرار گرفته باشد میتواند برای سایرین آلوده کننده باشد، البته مدت ماندگاری ویروس بستگی زیادی به درجه حرارت ورطوبت محیط دارد. این ویروس در مقابل حرارت حساس است ودر دمای ۷۰ درجه سانتیگراد از بین میرود.

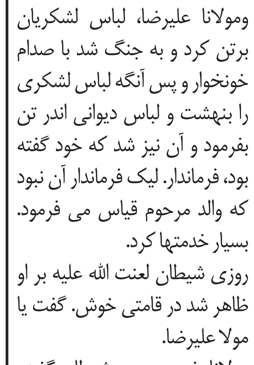
برهمین اساس اماکنی که محل تجمع افرادهستند مثل کلاسهای درس،خوابگاههای دانش آموزی،دانشجوئی وکارگری،مهدهای کودک،مراکز نگهداری سالمندان ومعلولین،پادگانها، زندانها،اماکن ورزشی،هتلها ،اماکن توریستی وزیارتی وسیاحتی بویژه اگر از تهویه مناسب برخوردار نباشند امکان انتقال آلودگی بیشتری دارند.

- آیا درمان داروئی برای آنفلوانزای جدید وجود دارد؟
- خوشبختانه درحال حاضر داروی اسلتامیویردر درمان بیماران بخوبی موثر بوده و برای تداوم این تاثیر وجلوگیری از بروز مقاومتهای داروئی بایستی از مصرف بی مورد آن اجتناب شود. همین جا اضافه کنم که تقریبا ۹۸درصد موارد بیماری بدون نیاز به درمان داروئی خاص بهبودی پیدا میکنند. این دارو درحال حاضر به میزان کافی در کشور ذخیره شده ودر استانها نیز در اختیار معاونت های بهداشتی دانشگاهها قرار دارد.
- آیا روش تشخیص آزمایشگاهی برای این بیماری وجود دارد؟
- بله ،تشخیص بیماری از طریق نمونه گیری وآزمایش ترشحات حلق فرد مشکوک به بیماری امکان پذیر است.

سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به ابوشهر

اندر حکایت مولانا علیرضا مظفری زاده و کتابت او (۳)

به تصحیح مهدی جهانبخشان



ومولانا علیرضا، لباس لشکریان برتن کرد و به جنگ شد با صدام خونخوار و پس آنگه لباس لشکری را بنهشت و لباس دیوانی اندر تن بفرمود و آن نیز شد که خود گفته بود، فرماندار. لیک فرماندار آن نبود که والد مرحوم قیاس می فرمود. بسیار خدمتها کرد.

روزی شیطان لعنت الله علیه بر او ظاهر شد در قامتی خوش. گفت یا مولا علیرضا.

مولانا بفرمود: هوم. شیطان گفت: هوم چیه. با تو هستم.

مولانا علیرضا گفت: برو که ازت خیلی خوشم نمیاد.

شیطان گفت: چرا علی جون؟

مولانا بفرمود: اولاً ما با هم تیلیلت ماست نخوردیم که میگی علی جون. بنده فرماندارم. غیر از آن قیافه ات خیلی شیک و پیکه به خط ما نمی خوری. تو کجی عامو، ما با ئی قدرت و کیا و بیامون مهمونی رفیقام که میریم نون و پیاز و پرپین می خوریم.

شیطان گفت: ای مولانا شیخ علیرضا خان مظفری زاده گل و بلبل، عرق شاطره، عرق بیدمشک، اشتباهت همینجان قربونت برم نه. آیندگان آیند با این لفظ و قدرتی که بدست خواهند آورد. واردات اتومبیل انجام دهند بهر اعوان و انصار خود. وام های کلان ستانند و اتوبوس خرند و زمین های کشاورزی چند هکتاری بهر خود مهیا کنند، آن وقت تو نان و پیاز تناول می فرمائی. برو جلوبندی عقلت بده تعمیر.

مولانا علیرضا بفرمود: ما بر سفره خون نشسته ایم نه برسفره نون. برو که دانم که ابلیسی. برو که نتوانی مرا فریفتن. برو نغل بازی سی ما در نیار. و ابلیس چون دودی به هوا شد. مولانا علیرضا زآن پس به گوشه ای خلوت نشین شد و روزگار خود را کتابت فرمود و آن کتاب « نسیمی از دفتر ایام» باشد که هرآنکس آن را ابتیاع کرد و بخواند، در خود به فکرت شد که روزگار غریبی است دهانت را می بویند مبادا، آدامس خروس نشان جویده باشی که ...

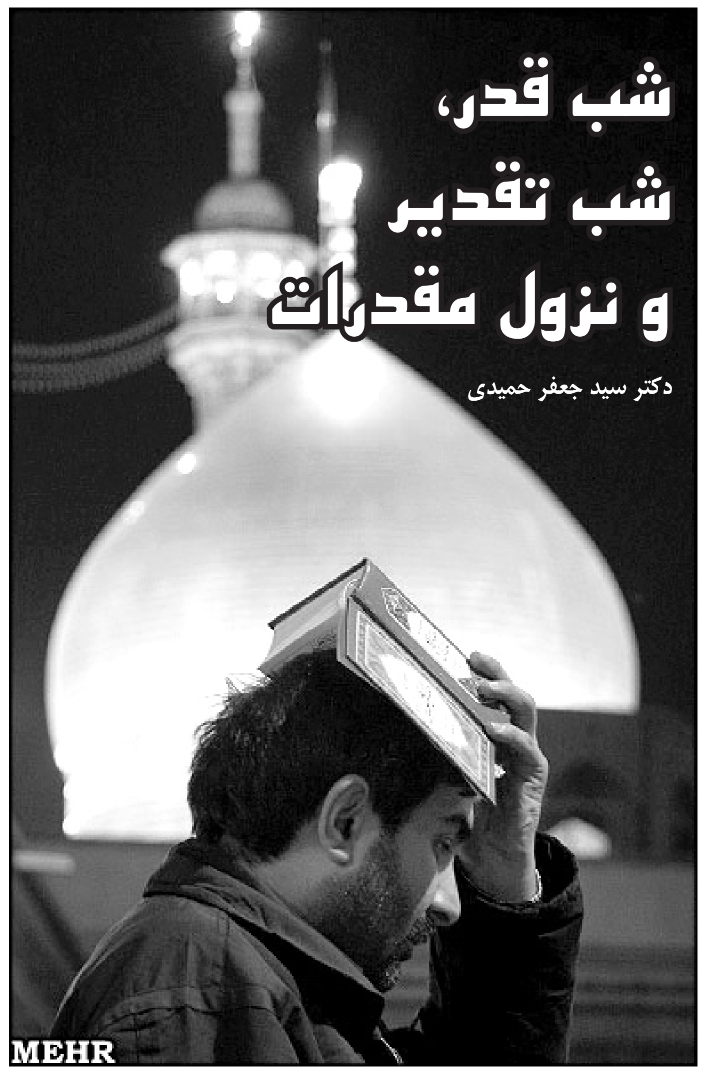
سد محکم در برابر آبادی محله مخبلند بوشهر

یوسف اسماعیلی

امروز محور همه صحبت ها توازن و توسعه است. لیکن امروز هیچ اثری از توسعه و توازن در حرکتهای عمرانی و عمومی مسئولین برای رفع محرومیتهای جانسوز در محلات مخبلند از حوزه مرکزی شهر بوشهر به چشم نمی خورد. مخبلند امروز با جمعیتی بالغ بر پانزده هزار نفر و در قرن توسعه، پیشرفت و توازن فاقد هر گونه فضای فرهنگی حتی یک سالن اجتماعات فاقد هر گونه فضای آموزش حتی یک واحد آموزش ابتدایی، فاقد هر گونه فضای درمانی حتی یک مرکزبهداشت. فاقد هر گونه فضای ورزشی حتی یکباب سالن سرپوشیده، فاقد هر گونه فضای تفریحی حتی یک پارک یا یک درخت سبز. فاقد هر گونه فضای علمی حتی یک کتابخانه و فاقد حتی یک وجب فضای سبز می باشد. ولی هر روز بر خلاف توسعه، عمران، توازن و عدالت اجتماعی در این منطقه محروم قدم برداشته می شود تا جایی که حتی با توسعه معبر ورودی مخبلند متناسب با تراکم نفوس، ترافیک زیاد خودروها و حجم غیرمعقول آپارتمانها نیز مخالفت می گردد.

امروز رانت خواران اقتصادی به پشتیبانی بعضی از عوامل در دستگاههای دولتی با شتاب در ساخت و سازهای بی رویه که منفعت کلان مادی برای آنان دارد کار را به جایی رسانده اند که تمام سرانه های زمین تخصیص یافته شهری و شهرسازی برای ایجاد مراکز خدماتی و عمرانی را قربانی امیال خود نموده و با حذف و محو ساختارهای مراکز عام المنفعه آن را به انبوه سازان ساختمانی که اکثراً کارکنان دستگاههای دولتی هستند، واگذار می نمایند تا جایی که دیروز و امروز برخلاف مصوبات قانونی موجود مقدار۷۱۸۶ متر مربع زمین اختصاص یافته جهت مجتمع فرهنگی و یک باند از خیابان ورودی مخبلند، تغییر وضعیت ناگهانی پیدا و به انبوه سازان ساختمانی واگذار می گردد. هم اکنون یک باند از خیابان ورودی مخبلند برخلاف مقررات و مصوبات کمیسیون ماده ۵ سال ۷۵ و ماده ۵ سال ۷۷ با واگذاری ۷ پلاک در سمت شرقی خیابان مزبور به کارکنان دولت و واگذاری چندین پلاک از زمین های عام المنفعه مجتمع فرهنگی به کارکنان دولت و غیره ... بر آلام و دردهای جانسوز مردم مخبلند که فاقد حتی یک قبرستان برای دفن مردگان خود هستند افزوده است و تلاشهای مستمر شورای محترم شهر سابق و استاندار سابق بوشهر برای حل فوری این معما به دلیل کارشکنی های موجود تاکنون ناکام مانده و نتیجه ای حاصل نگردیده است و هر گاه نقد و انتقاد و یا پیشنهاد مطلوبی توسط فرهیختگان مردم در حال شکل گیری بوده است با بی مهری مسئولین و گاهی با مخالفتهای تند و صریح و آشکار و پنهان آنان روبرو گردیده است.

خیابان ورودی مخبلند از مبدا تا انتها از جمله امور بدون تفکر و برنامه ریزی است که می تواند با یک برنامه ریزی سریع آن را به چشم اندازی مطلوب تبدیل نمود ولی روابط سالاری در بروکراسی اداری تا کنون نتوانسته است این معما را حل نماید. که البته حل این معما کلید مفتاحی برای حل معماهای موجود در سطح شهر خواهد شد. جای سئوال اینجاست که چرا مسئولین راضی می شوند با واگذاری یک باند خیابان ورودی مخبلند در سمت شرق تعریض را به سمت غرب جابجا کرده و دهها باب منزل مسکونی مردم فقیر را در معرض تخریب قرار دهند و خط عمومی فاضلاب شهری که سی هزار انشعاب خانگی مردم به آن متصل است برای رضایت چند نفر از مدیران و تامین منافع آنان بر مصالح عمومی مردم مخبلند ترجیح دهند و زمین های مجتمع فرهنگی که جزو سرانه های توسعه فرهنگی جمعیت ۱۵ هزار نفری مخبلند بوده است فدا نمایند.



شب قدر، شب تقدیر و نزول مقدرات

دکتر سید جعفر حمیدی

امشب آن نیست که در خواب رود چشم ندیم
خواب در روضه رضوان نکنند اهل نعیم
خاک را زده کند تربیت باد بهار
سنگ باشد که دلش زنده نگردد به نسیم
(سعدی)

شب قدر، شب یا شب هایی است که هم قبل از اسلام در ایران وجود داشته و هم بعد از اسلام در بین ایرانیان و مسلمانان به ویژه در ایران مورد احترام و موقع نیایش بوده و هست.

قبل از اسلام، ایرانیان قدیم دو شب را در سال، شب قدر می دانستند. در این دو شب، زمین در حرکت انتقالی خود طوری قرار می گیرد که قدر و اندازه شب و روز با هم برابر می شود. شاید در نظر آنان چنین بوده است که این برابری شب و روز و مساوات در طبیعت، مظهر و نمادی باشد برای آدمیان تا آنان در زندگی شخصی و اجتماعی خویش صداقت، مساوات و برابری را رعایت‌نمایند.

از این دو شب یکی شب اول فروردین است که زمان انتقال خورشید از برج حوت (اسفند) به برج حَمَل (اسفند) می باشد در این هنگام شب و روز با هم برابر و دقیقاً هر کدام دوازده ساعت می باشند و صبح آن روز عید است.

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار (سعدی)

این عدم تفاوت شب و روز به قول سعدی همان روز اول فروردین، آغاز بهار، آغاز زنده شدن و جان یافتن طبیعت است که شاعر گردش و تماشای صحرا را توصیه می کند. در روز دوم فروردین به طول روز افزوده و از طول شب کاسته می شود تا روز اول تیرماه که بلندترین روز سال است و از این روز به تدریج از طول روز کاسته و طول شب افزایش می یابد تا شب اول مهر ماه که برج میزان است و در این شب است که مقدار شبانه روز برابر می شوند و ایرانیان می دانستند و آن شب را محترم می دانستند. از روز دوم مهر ماه از مقدار ساعات یا دقایق روز کاسته و بر مقدار شب افزوده می شود تا شب اول دیماه که شب یلدا (تولد خورشید) و درازترین شب سال است و روز بعد یعنی روز اول دی ماه که خورشید مدت بیشتری در آسمان است به تدریج از مقدار شب کاسته می شود و دوباره شب اول فروردین ماه که مجددا شب قدر است پدید می آید. ایرانیان این دو شب را شب قدر یعنی شب برابری، شب مقدرات و شب بسیار محترم می دانستند و به برپایی جشن و شادمانی می پرداختند. سفره می گسترداند و ضمن خوردن میوه ها و شیرینی ها، به صرف شیرینی مقدس (زولوبیا) نیز می پرداختند ایرانیان علاوه بر این دو جشن، در روزهای مختلف دوازده ماه سال جشن های بسیاری داشتند که در این جشنها ضمن ستایش خداوند و شکر نعمت های فراوان پرودگار متعال به دعا و ذکر مخصوص آن شب می پرداختند و همراه با صرف شیرینی و میوه و آش، یا غذای مخصوص آن از خداوند می خواستند تا سال بعد به سلامت بمانند تا دوباره در این مراسم مقدس شرکت نمایند. جشن هایی مثل فروردین گان، مردادگان، مهرگان (جشن برداشت محصول)، آبانگان (جشن نزول باران)، آذرگان (جشن آغاز سرما و درخشش آتش)، جشن بهمنگان، جشن سده، جشن سپندارمذ و خلاصه جشن چهارمپت سوری. جشن تکمیل تقویم ایرانی، و سایر جشنها.

در اسلام پیش از آن که به شب قدر در اسلام که موضوع اصلی گفتار است پرداخته شود، لازم است مختصری درباره «شب برات» به میان آید زیرا بعضی گمان می کنند که شب برات، همان شب قدر است در حالی که چنین نیست و این دو شب با هم متفاوتند. شب برات: لیله البراده، لیله الچک، شب چک، شب صک، شب برات، نیمه برات، شب پاَنزدهم شعبان است. شب آزادی و رهایی و نعمت و برکت. گفته اند شبی است که ارواح آدمیان به زمین می آیند و به خانه های خود می روند و اهل خانه برای پذیرایی از ارواح گذشتگان خود متقابلاً به دادن شیرینی می پردازند از جمله زولوبیا برای همسایگان می برند و همسایه ها نیز متقابلاً به دادن شیرینی می پردازند. زنده ها برای شادی ارواح درگذشتگان، خانه را در حد امکان چراخانی، تمیزو مرتب می کنند. شب برات شب آزادی ارواح است. این رسم همانند رسم جشن فروهرگان یا فروردین گان در آغاز سال نو است که ایرانیان معتقد بودند بین بیست وششم اسفند تا پنجم فروردین ارواح رفتگان به زمین و به خانه خود می آیند. به همین دلیل مردم از چند روز قبل از عید نوروز خانه های خود را آب و جارو و خانه تکانی می کنند و فرش نو می گسترند و سفره پهن می کنند و این سفره گستردن ناخودآگاه وسیله پذیرایی از ارواح است و هر چه صاحبخانه بیشتر خانه را مرتب و منظم و تمیز نماید و سفره رنگین تری بگستراند، ارواح خوشحال تر و راضی تر از زمین باز می گردند. باید گفت که جشن های نوروز که کامل ترین و مفصل ترین جشن های ایرانیان است بیشتر به جهت حلول سال نو و رفتن سیاهی زمستان و آغاز فصل بهار انجام می گیرد اما به طور ناخودآگاه، همان جشن دلجویی از ارواح است. این گونه مراسم جشن ارواح در بین ملل دیگر نیز وجود دارد مثل ژاپن، چین، مالزی، فیلیپین، اندونزی، هند و بسیاری از کشورهای اروپایی. نیمه شعبان، شب تولد حضرت حجه بن الحسن(عج) نیز می باشد و این موضوع ارزش و زیبایی شب برات را دو چندان می سازد و جشن های مفصل این شب در سراسر کشورها و شهرهای شیعه نشین به ویژه ایران گواه این مدعا است. دقیقاً معلوم نیست که شب برات برگرفته از تولد امام زمان است یا پیش از تولد آن حضرت. هم چنین نامی برای چنین شبی وجود داشته است. علمای شیعه معتقدند که خداوند تعالی در شب برات یعنی پانزدهم شعبان، ارزاق وآجال یک سال آینده بندگان را تعیین می فرماید و در شب یا شبهای قدر آن ارزاق و آجال را بربندگان نازل می نماید.روایت کرد «ابوالضحی»از «ابن عباس» که او گفت خدای متعال در نیمه شعبان فصل کند (ارزاق و آجال) و در شب قدر بر فرشتگان بسپارد و برای آن مبارک خواند آن را که در آن خیرها بسیار است و برکت از آسمان فرود آید بر امت محمد(ص) و گفتند طاعت در این شب به نزدیک خدای تعالی قدر و منزلت تمام دارد و فرشتگان با قدر و منزلت در این شب از آسمان فرو فرستند به زمین) (رازی، ابوالفتوح، تفسیر ص۳۲۸-۳۲۷)

بنابراین می توان گفت که شب برات، جدا از شب قدر است اما هر دو پر از نعمت و برکات الهی و شب های تقرب و استغفار به درگاه حق می باشند

شب قدر

شب قدر در یکی یا چند شب از شبهای ماه مبارک رمضان قرار دارد. لیله القدر شبی است که در آن شب، قرآن نازل شده است (انا انزلناه فی لیله القدر) شبی است که قدر و ارزش آن بهتر و بیشتر از هزار ماه است(لیله القدر خیر من الف شهر) و شبی است که فرشتگان همراه با روح که همان «روح العین» یا جیرئیل است به زمین فرود می آیند به اذن پروردگارشان:

تُنزّلُ الملائِکهُ وَالّروُحُ فیِها بِاذنِ ربّهِم مِن کُلّ اَمر. و شبی است که تا طلوع صبح سلامت در آن است (سلام هی حتی مَطلِع الفجر)

شهرُ رمضانَ الذی انزل فیه القرانُ. هدیً لِلنّاسِ و بیّنات من الهدی و الفرقان.

ماه رمضان است که فرو فرستاده شد در آن قرآن هدایت از برای مردمان و نشان های روشن از هدایت و فرقان.

پس با این آیه قطعی است که قرآن کریم در ماه مبارک رمضان و با سوره قدر معلوم می شود که دراین شب نازل شده است. اما درباره این که شب قدر کدام یک از شبهای ماه مبارک رمضان است بین علما اختلاف نظر وجود دارد. در مذاهب اهل سنت قول اکثریت بر این است که شب قدر یکی از شبهای دهه آخر ماه مبارک می باشد که برخی آن را بیستم و یکم، برخی بیست و پنجم و برخی دیگر بیست و نهم دانسته اند و قول بیشتر علمای مذاهب فوق برآن است که این شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان است. اما علمای شیعه ضمن این که طبق نص آیه ۱۸۲ سوره بقره نزول قرآن را در ماه رمضان می دانند شب قدر را یکی از شبهای ۱۹-۲۱-۲۳ رمضان و بعضی شب ۲۷ این ماه در نظر دارند.

بعضی معتقدند که تمام شبهای ماه رمضان شب قدرمی باشند و بعضی شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم و بعضی بیست و هفتم دانسته اند. مرحوم مجلسی در «بحارالانوار» و مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب «مفاتیح الجنان»شب قدر در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان دانسته اند و قول اکثر علمای شیعه نیزهمین بیست سوم است.

در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر می گردد.(مفاتیح الجنان ص۴۳۹)

در شب قدر مراسم خاصی برگزار می شود و دعاهای مربوط به این شب قرائت می گردد به ویژه دعای جوشن کبیر، جوشن کبیر که در آن هزار صفت از صفات الهی بیان شده، این هزار صفت به گروه های ده تایی تقسیم شده و مجموعاً صد گروه ده تایی است. در شب قدر که به اکثریت آراء همان شب بیست و سوم است، مردم در مساجد، تکایا و حسینه ها جمع می شوند و پس از استماع تلاوت قرآن و دعای افتتاح و سایر ادعیه، در آخر شب دعای جوشن کبیر خوانده می شود. بدین ترتیب که یک دعا را آغاز می کند و پس از پایان هر بند از دعا که ده صفت یا ده نام از نام ها یا صفات خداوند تعالی است قاری توقف می کند و جمعیت با هم می خوانند «سبحانک یا لااله الا انت، الغوث، الغوث خلصنا من النار یارب» این ذکر صد بار پس از هر بند ده تایی تکرار می شود. بعضی معتقدند که شب قدر تمام شب های انسان است و آدمی باید قدر تمام شبهای عمر را بداند واز هر لحظه آن استفاده نماید اما سعدی گفته است:

اگر شب ها همه قدر بودی، شب قدر بی قدر بودی(گلستان)

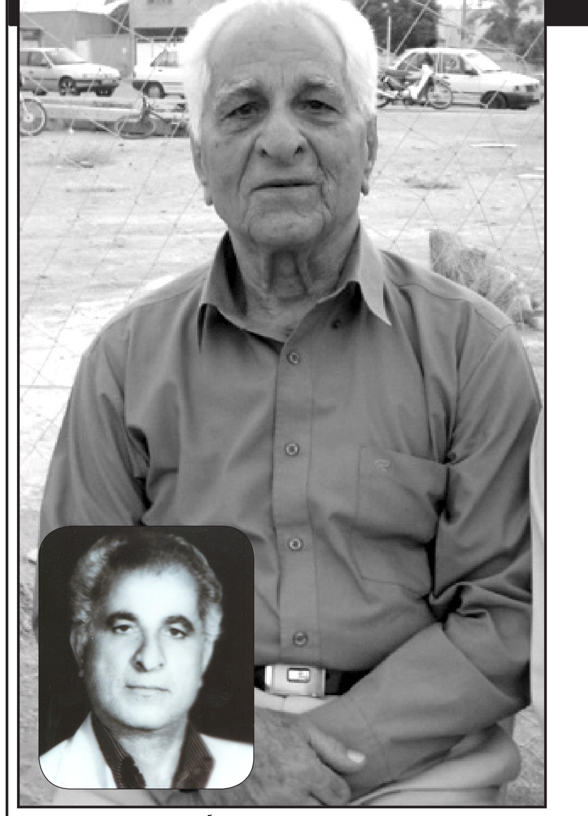
گر سنگ همه لعل بدخشان بودی
پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی (گلستان)

شب قدر شب شناخت و قدردانی از ارزش ها، شب شناخت معیارهای انسانی، شب تقدیر و نزول مقدرات است و سرانجام شب پاکی و تقوا است که اگر یک شب هم باشد باید تمام شب را با آن قیاس کرد.

نیکان بوشهری

چهره ای فرهنگی، ورزشی با ارزش

نجف آهو چهر



سال ۱۳۳۶ به علت نبود دوره متوسطه در بندر دیلم و نیاز تحصیلی من در سال اول دبیرستان، به بوشهر منتقل شدیم. چند ماه مانده به شروع سال تحصیلی و در تابستان همان سال در محله بن مانع ساکن شدیم، بعدازظهر که بچه های محله فوتبال بازی می کردند و مخصوصاً زمانی که با محله سنگی مسابقه داشتند، اسم دو نفر را زیاد تکرار می کردند و تحسین می نمودند، آقایان عبدالمحمدزنگوئی و عبدالمحمد پوربهی و من دلم می خواست این دو بازیکن تیم خلیج را از نزدیک ببینم، تابستان گذشت و چون پدرم اسم مرا در دبیرستان بوذرجمهر که اول خیابان لیان فعلی و روبروی باشگاه ورزشی نیرومند قرار داشت، نوشته بود و محل کار خودش هم در اداره فرهنگ سابق و در آخر محله بهبهانی که باسیدون نامیده می شد قرار داشت ناچار از بن مانع به محل جبری نقل مکان کردیم و در آن محله و دبیرستان بوذرجمهر با افرادی به نام های مرتضی هوشمند، پرویز نوشزاد و برادران چاهی بخش آشنا و دوست شدیم که آنان طرفدار تیم خوب و محترم ایران جوان بودند و مرا هم به این تیم متمایل کردند و هر وقت مسابقه ای برگزار می شد همراه همین بچه ها به دیدن مسابقه می رفتیم و به تشویق آنها می پرداختیم. تا این که بعد از گذشت دو سال پدرم قطعه زمینی در محله سنگی، درست روبروی خانه حاج رضا زنگوئی خریداری کرد و خانه ای ساخت و به سنگی برگشتیم، دوباره دوستان قدیم و مسابقات فوتبال و نام نام آوران تیم خلیج که بعداً به نام شاهین معروف شد در گوش من طنین انداخت، به علت همسایگی با خانواده زنگوئی من هر روز آقای عبدالمحمد زنگوئی که کارمند بانک ملی بود و با موتورسیکلت قوی جثه ای رفت و آمد می کرد می دیدم ولی هنوز موفق نشده بودم، آقای عبدالمحمد پوربهی را از نزدیک ببینم. در محله سنگی جوان ساده دل و صمیمی وجود داشت و دارد به نام جهانگیر فقیه که هر وقت موفق می شد در بازی فوتبال گلی بزند و یا پاس خوبی دهد فوراً می گفت شاباش عبدالمحمد پوربهی و این جمله را بارها تکرار می کرد و باعث خوشحالی همه می شد. سال سوم دبیرستان که من در دبیرستان پهلوی سنگی به مدیریت مرحوم آقای حسین سیروسی که یکی از مدیران خوب و فعال و بسیار منضبط بود تحصیل می کردم. بعد از ظهر یکی از روزهای آذرماه سال ۱۳۳۸ مسابقه ای بین تیم های خوب ایرانجوان و خلیج در تنها زمین فوتبال شهر که اکنون بجای آن پاساژ ملت و مدرسه امیرکبیر قرار دارد برگزار می شد، ما نمایندگان کلاسهای مختلف را نزد مدیر فرستادیم و خواهش کردیم به ما اجازه بدهند این مسابقه را تماشا کنیم. آقای سیروسی قبول کردند و زنگ مرخصی را زدند همه بچه ها همراه با کیف و کتاب و سایر ملزومات از دبیرستان پهلوی تا شهر را دویدیم تا تیم مورد علاقه خود را تشویق کنیم و من در آن روز بازیکن مورد علاقه خودم که عبدالمحمد پوربهی بود را دیدم و آن قدر تشویق کردم و داد زدم که تا سه روز صدایم گرفته بود و گلویم خارش می کرد، بعد از آن یک بار دیگر که همراه پدرم به بهمنی رفته بودیم در میدان فوتبال که اکنون به جای آن استخر سرپوشیده ای ساخته اند قرار داشت و میدانی مسطح با خاکی سفید و پاکیزه بود و تعدادی مشغول تمرین بودند. دوباره آقای پوربهی را دیدم بعد از آن اتفاقی دست نداد که با این فرد شریف روبرو شوم تا سال ۱۳۶۱ که به من مأموریت دادند به دبیرستان شهید نواب صفوی بروم. در آنجا اسم آقای پوربهی را در دفتر حضور وغیاب دبیران دیدم خوشحال شدم، فردای آن روز آقای پوربهی با قیافه ای شاد و خندان وارد دفتر شد و به طرف من آمد و ضمن خوش آمد گوئی و احوالپرسی به شوخی گفت انگار یه نیمچه کودتائی شده چون در آن سال از اول مهر تا ۱۵ آبان که من رفتم دبیرستان نواب چهار مدیر منصوب و عوض شده بودند و من نفر چهارم بودم این برخورد و آشنائی چنان صمیمیتی بین من و ایشان بوجود آورد که وصف آن نتوان کرد. البته زیر بنای این صمیمیت حسن خلق و مردم داری و صفای باطن و روح بزرگ این مرد دوست داشتنی می باشد، زیرا پوربهی را هر کس می شناسد جز نیکی و صفا و یکدلی از او نمی بیند. او نه تنها مورد علاقه طرفداران تیم شاهین بلکه بازیکنان و طرفداران تیم محبوب ایران جوان هم به او عشق می ورزند و بزرگش می دارند زیرا من بارها شنیده و دیده ام وقتی آقای پوربهی از مرحوم علی اکبر کبگانی که از بزرگان تیم ایرانجوان است صحبت می کند با چه شوقی و ذوقی و احترامی خاص از او نام می برد و یا همراهی و دوستی او را با آقایان عصفوری، برادران چاهی بخش، جناب حاج محمد علی درویشی، آقای باقر فرخ زاده، و نیک بین و خلاصه هر کسی که به نحوی از انحا با پوربهی در ارتباط باشد برای او ارزش دارد، پوربهی معلمی سرافراز، ورزشکاری پرافتخار و دوستی سازگار است، همیشه اوقات سعی در رفع مشکلات دیگران دارد و تا حصول نتیجه از پای نمی نشیند. در خانه ی او به روی آشنا و غیر آشنا باز است و پر از رونق و صفاست. همسر و فرزندانش نیز ازاین خصلت پسندیده مردم داری که نشأت گرفته از روح بلند و مردمی پوربهی می باشد برخوردارند او از قوم و قبیله ای بسیار شریف و بزرگ می باشد که باعث افتخار همه ی همشهریان خود است. نام و آوازه پوربهی و شهرت او فراگیر است و کمتر کسی است که چون او این قدر دوست و آشنا داشته باشد. دوستان برون استانی او خیلی زیادند که دو نفر از این بزرگواران را که پوربهی از آنان به دفعات یاد می کند و آنان را گرامی می دارد جناب حاج آقا کریمی جوانمردی از خطه ی فارس که مردی بی همتا و دیگری جناب یاوری از بزرگان عرصه ورزش و مربیان بنام کشور از اصفهان که انسانی بی‌نظیراست می‌باشند، اکثریت دوستان جناب پوربهی مردمانی با صفا، انسانی و بسیار ماهر و بقول خودش به درجه ژنرالی رسیده اند. سه سال هم نشینی و همکاری مستمر در دبیرستان شهید نواب صفوی و ادامه آن تا کنون با این انسان فرهیخته، فرهنگی پیش کسوت و ورزشکار ارزش شهرمان افتخاری برای این جانب که در پرونده دهه سوم خدمتم در آموزش و پرورش و سالهای بازنشستگی تا آن زمان که زنده باشم می باشد. پوربهی مردی خوب، انسانی بی نظیر و ورزشکاری بی‌همتاست.

نگاه مدیریت جدید پارس جنوبی به کدام سو است؟

ابوالحسن گنخکی



مدیرعامل سازمان منطقه وِیژه اقتصادی انرژی پارس، اخیراً از نگاه جدید مدیریت منطقه به مردم عسلویه خبر داده است. موسی سوری در جمع کارکنان سازمان به چند نکته اشاره کرده که تصور می شود برآیند آن می تواند تحقق نگاهی جدید به عسلویه و مردم آن را در پی داشته باشد. در این مجال با ذکر چند جمله از سخنان وی به بررسی آن می پردازیم. باشد که این وعده ها عملی شود.

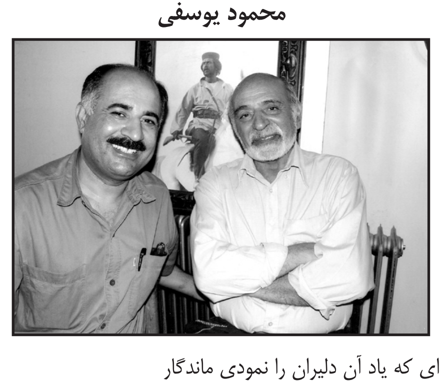
به گزارش خبرگزاری مهر، مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس گفته نخستین تغییر اساسی در رویکرد جدید مدیریت در این سازمان تغییر جهت از تصمیم گیری فردی و گروهی محدود به تصمیم گیری و نظارت جمعی است. مهندس سوری به تشکیل شوراهایی در حوزه های مختلف اشاره کرده است. وی با اشاره به رشد ناموزون توسعه در بخش هایی از منطقه عسلویه اظهار داشته توسعه اقتصادی و صنعتی منهای توسعه فرهنگی، معنوی و اخلاقی امکان پذیر نیست. مهندس سوری با تأکید گفته است زیربنای توسعه ماندگار، توسعه فرهنگی است. شاید مهم ترین جمله مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی این باشد که گفته دیگ توسعه پارس جنوبی باید برای مردم عسلویه نیز بجوشد و امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی آنها نیز در کنار توسعه صنعتی در این مناطق افزایش یابد. در این میان پرسش های زیادی مطرح می شود. آیا همه آنچه این مدیر نفتی مستقر در عسلویه گفته محقق خواهد شد؟ باید به سابقه اجرائی و مدیریتی مهندس سوری نگاهی داشته باشیم. سابقه وی در شرکت پایانه های نفتی و ارتباط وی با مردم خارک و فعالیت های عام المنفعه نفتی در خارک گرچه رضایت بخش نیست اما چندان منفی هم نیست. به عبارت دیگر مردم خارک گرچه با مجموعه وزارت نفت مشکلاتی اساسی دارند اما به نظر نمی رسد با مدیری نفتی چون مهندس سوری اختلافی عمیق داشته باشند.

آیا مهم ترین مشکل موجود در عسلویه تصمیم گیری فردی و یا توسعه نیافتگی فرهنگی است؟ توسعه فرهنگی از نگاه یک مدیر نفتی چیست؟ اقدامات مدیران پیشین نفتی در عسلویه تا چه اندازه رضایت مردم را جلب کرده است؟ رابطه فعالیت های فرهنگی جدید با برنامه های صنعتی منطقه چیست؟ مهم تر اما جایگاه اشتغال نیروی بومی در کجاست؟ واقعیت آن است که در حال حاضر مهم ترین مشکل منطقه ویژه، نه تصمیم گیری فردی است و نه توسعه نیافتگی فرهنگی بلکه مشکل، ناتوانی دولت در جذب سرمایه گذاری خارجی است. امروز عسلویه به جای کارگاهی فعال به انباری راکد تبدیل شده است. این را آمار خبری خبرگزاری نفتی شانا به خوبی نشان می دهد. مهم ترین مسئولیت مهندس سوری در بحران فعلی بیکاری، ایجاد رونق در فعالیت های صنعتی عسلویه است. درست است که جذب سرمایه خارجی در پی اعمال سیاست های مثبت تعامل دولت با کشورهای دیگر تحقق می یابد. تحقق این مهم نیز از توان مهندس سوری خارج است. از این روست که مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس می کوشد ماهرانه راهی دیگر در پیش گیرد. چه آنکه او خود به خوبی می داند با سیاست های دولت نهم و بالطبع تداوم آن در دولت دهم، سرمایه گذاران خارجی به سرمایه گذاری در ایران بویژه در عسلویه علاقه مند نیستند. چنانکه طی این چهار سال چنین روندی طی شد و عسلویه، قطب انرژی خاورمیانه به سرنوشتی چنین سخت گرفتار آمد. از این رو مهندس سوری می کوشد نگاه خود را بر اموری دیگر که هم قابل ارائه مانورهای تبلیغاتی باشد و هم بتواند دوره مدیریتی وی را درخشان جلوه دهد، متمرکز کند. بر همه این مشکلات موجود در عسلویه یک نکته دیگر نیز بیفزائیم و آن هم اینکه عدم اجرای مصوبه دولت مبنی بر بکارگیری ۵۰ درصدی نیروی بومی استان بوشهر در صنایع نفتی که به نظر می رسد با مدیریت پیچیده و بسته مجموعه وزارت نفت، مهندس سوری قادر به اجرای آن نخواهد بود. با این حال جان کلام آنکه در وضعیت فعلی حاکم بر صنعت در عسلویه، فعالیت های فرهنگی در عسلویه می تواند سرپوشی باشد بر ناتوانی دولت در جذب سرمایه گذاری خارجی و ایجاد اشتغال و نیز تبعیض گسترده در بکار گیری نیروی بومی استان در فعالیت های صنعتی موجود.

تقدیر

تقدیم به خالق سریال دلیران تنگستان همایون شهنواز

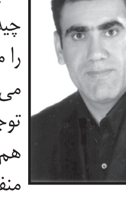
محمود یوسفی



ای که یاد آن دلیران را نمودی ماندگار
نام تو حک می شود بر صفحه های روزگار
غم مبادت گر نگردند مغرضان یادی زتو
عارفان در دل نگهدارند یادت یادگار
هر زمان که یاد سردار جنوبی می کنند
زنده می گردد درون ذهنشان این شاهکار
تا که تاریخ است در اذهان بماند یاد تو
از دل این حق شناسان کی روی در این دیار
آن شهید خفته در خاک نجف رئیس علی
گشته است با تربت دستش از این خاکسار
گرچه پنهان است جسم اطهر و پاکش ولی
تا ابد بیرون بماند دستش از این خاکسار
این ندا سر می دهند یاران او در روزگار
ما طلبکاران تاریخیم تا روز قرار
تحفه ای گرنیست لایق تا کنم تقدیم تان
پس سلام صد هزاران مرد و زن بادا نثار
آنچنان که در کریمان رسم عفو و بخشش است
لیک بر قلبم ببخش کاین شعر باشد کم عیار

آرزوی پایان مهمانی شیرین برای یاوری !!!

رضا سیاوشی



اگر بخواهیم واقعیت ها را عنوان نماییم و به دور از هر گونه جانبداری از شخص و اشخاصی صحبت نماییم باید این را بپذیریم که در انتخاب و چیدمان بازیکنان فقط شخص کللی فرد را میتوان مورد خطاب قرار داد و خود وی می تواند پاسخگو باشد که قطعاً ایشان با توجه به برنامه و هدفی که داشته دلایلی هم خواهند داشت . اما با توجه به ذهنیت منفی اعضای هیات رییسه نسبت به سرمربی تیم و عدم حمایت جدی و لازم از وی ، ضمن ایجاد نگرانی شدید برای کللی فرد و تخریب افکارش متاسفانه باعث هتک حرمت و توهین و ناسزا گفتن تعدادی تماشاگر نما به وی نیز شدند که جدا از بحث فنی و عدم نتیجه گیری لازم این برخورد شایسته زحمات مردی که تا دیروز لقب امپراتور به می دادیم نبود! ولی حال که رویای حضرات بوقوع پیوست و کللی فرد را محترمانه از شاهین اخراج نمودند. وهمانطور که گفتیم حمید خان در عدم کسب نتایج مطلوب شاهین بعنوان رهبر کادر فنی مقصر بود و اشتباهاتی نیز داشت هرچند که متاسفانه از مشاوران آگاه و با تجربه ای هم استفاده نکرد. اما مطمئناً مشکلات شاهین با رفتن کللی فردها حل نخواهد شد زیرا اعضای تصمیم گیرنده باشگاه مدیر ، مدبر ،دلسوز و از همه مهمتر شاهینی نیستند که بتوانند شاهین را به جایگاه واقعی اش برسانند .همه به یاد داریم که از اواخر بازی های فصل گذشته لیگ یک و وقتی که جارچی ها جار زدند که یاوری به شاهین می پیوندد طبیعی بود که هر روز انتظار ورود این مهمان ناخوانده را داشته باشیم و از اینکه آقای گزی به قولش نسبت به دوست و مربی مورد علاقه اش عمل نمود هم شکی نداریم و اکنون نیز که تیم شاهین در این شرایط قرار داده اید میبایست تا آخر خط رفته و خود جوابگوی هواداران متعصب و فوتبال شناس و فهیم باشگاه شاهین باشید زیرا که فردا در صورت عدم نتیجه گیری تیم بهانه های مبنی براینکه یاوری تیم را نبسته است – یاوری نمی توانست معجزه نماید– مقصر اصلی کللی فرد بود و دلایل دیگر را نمی تواند پاسخ قابل قبول و منطقی برای تماشاگر و هوادار تیم باشد زیرا امروز اکثر تماشاگران در بحث و تبادل نظر و کارشناسی فوتبال به خوبی تجزیه و تحلیل فنی نموده و به مانند گذشته نیست که با ای والله و خواهش از بازیکن و مربی خواهان نتیجه گیری تیم مورد علاقه خود باشند ، پس در اتخاذ تصمیم مبنی بر شرایط واگذاری تیم به سرمربی جدید تمام نکات و تذکرات لازم را در نظر بگیرید و عنوان نمایید تا جناب سرهنگ هم با آگاهی و علم و تجربه بالایی که از زندگی و فوتبال دارند تصمیم منطقی و عاقلانه ای برای عقد قرارداد با باشگاه شاهین بگیرند و اگر به قول خودشان برای مهمانی به بوشهر آمدند برایشان پایانی شیرین و خاطرانگیز همراه داشته باشد!

گپی دوستانه با مدیرعامل جدید شاهین

قطعاً قبول مسئولیت در این مقطع خاص و حساس ؛ به معنی جرأت داشتن آمادگی جهت مواجه شدن با مشکلات ، کمبودها و دیگر اینکه ارائه برنامه ایی مدون ، منظم و زمان بندی شده برای سرو سامان دادن به وضعیت کنونی باشگاه شاهین به نحو احسن است که شما در دستور کار خود قرار داده اید. حال نیز با توجه به سابقه مدیریتی شما دردستگاه های دولتی و دیگر اینکه قبل از قبول این مسئولیت هم عضوی از هیات مدیره باشگاه شاهین بودید و مشکلات و شرایط باشگاه را به خوبی لمس و درک نموده اید و براین امر واقفید که با بکارگیری کارآمد و موثرمنابع انسانی و مادی در برنامه ریزی ،سازماندهی، هدایت، رهبری و کنترل میتوان با موفقیت گام به اهداف مورد نظردرعرصه مدیریت برداشت وعدم توجه به ارکان لازم در مدیریت یعنی فرآیند، کارایی، نقش، تقسیم کار،وحدت فرماندهی ، وحدت جهت و تمرکز نمیتوان به اهداف و مقاصد خود رسید. بنابراین از شما بعنوان فردی که با بسیاری از موارد و امورات باشگاه آگاهی ، آشنایی و احاطه دارد و قطعاً با اندیشه لازم اتخاذ تصمیم نموده انتظار و توقعی بیش از دیگران داریم و امیدواریم با فعالیت های مجدانه و کارساز خود بتوانید این باشگاه ریشه دار و پرطرفدار که همیشه از عدم مدیریت توانمند و مقتدر محروم بوده را با یک سیستم صحیح و اصولی که لازمه باشگاه داری بوده هدایت نموده و ضمن اعتبار و شخصیت بخشیدن به آن رضایت مندی هواداران، پیشکسوتان، بازیکنان و کلیه اهالی فوتبال را جلب و مورد تایید قرار گیرید. اما جناب مدیرعامل ،برای برقراری نظم وثبات در تیم به مواردی جهت پیشنهاد اشاره می نمایم :

۱ – تقویت و تزریق روحیه لازم به تیم و برقراری آرامش
۲ – تشکیل روابط عمومی و انتخاب فردی توانمند و قوی برای این مسئولیت
۲ – تعیین سخنگوی مقتدر
۳ – تشکیل و راه اندازی کانون هواداران و حمایت جدی از آن
۴ – تشکیل کانون پیشکسوتان و استفاده از نقطه نظرات مثبت و کارساز آنان
۵ – برقراری و تعامل منطقی با اصحاب رسانه
۶ – برقراری روابط حسنه با باشگاه ایرانجوان جهت هماهنگی لازم و ارائه برنامه واحد برای رشد و اعتلای فوتبال بوشهر

و اما با توجه به اینکه هنوز وضعیت حمایت و عدم حمایت جدی شرکت پارس جنوبی از باشگاه شاهین تایید و مشخص نشده است لذا میبایست برای جلوگیری و پیشگیری از یک بحران جدی در آینده جهت پرداخت مطالبات بازیکنان تدبیری اساسی بیاندیشید و با بکارگیری ترفندهای خاص در پی یافتن راه حل های مناسب برای کسب درآمد باشید و از همین امروز فکر انجام کارهای زیربنایی برای تامین و تضمین آینده اقتصادی باشگاه نمایید و دیگر اینکه برای رسیدن به خودکفایی ، تامین بازیکن ، صرفه جویی وعدم هدردادن میلیاردها تومان هزینه جهت خرید بازیکن غیربومی و خارجی، نیاز به حمایت جدی و همه جانبه ای از تیم های پایه وتحت پوشش قراردان آنان نیز با ارائه یک برنامه کلان و جامع وجود دارد .

آفرین و سپاس از علیرضا سعیدی

داور پیشکسوت و مرد خوش اخلاق کمیته داوری فوتبال بوشهر یعنی علیرضا سعیدی یکی از مهمانان و بعبارتی کارشناس داوری بازی شاهین و استیل آذین در برنامه نشان بود. وی ضمن کارشناسی داوری این بازی یادی هم از دوستان و همکاران قدیمی و بعبارتی فراموش شده خود یعنی غریب زاده، مرزوقی و... نمود و پیشنهاد استفاده از دیگر عزیزان زحمتکش و پیشکسوت داوری فوتبال بوشهر جهت حضور در برنامه نشان ارائه نمود که این عمل زیبا و حفظ حرمت همکار را توسط وی قابل ستایش و تقدیر می دانیم و به وی آفرین می گوییم.

گفت و گو با مجید حسینی کنگانی مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر:

دنبال بهتر شدن هستیم



–جناب کنگانی، ضمن عرض تبریک به مناسبت پست مدیرعاملی باشگاه بزرگ شاهین، بفرمائید در این رابطه چه احساسی دارید؟

– با عرض سلام خدمت شما و همه بوشهری های خونگرم بخصوص شاهینی های عزیز، بنده به عنوان یک بوشهری، هر کمکی که برای پیشرفت شاهین از دستم برآید انجام می دهم و این را افتخار خودم می دانم و واقعاً احساس خوبی دارم.

– خوب می دانید که روبرو یا پشت این احساس، هوادارانی وجود دارند که با هیچ کس تعارف ندارند و خوب را از بد به خوبی تشخیص می دهند، برای این که ثبات مدیریتی داشته باشید و شادی تماشاچیان به همراه داشته باشید، چه کاری را انجام خواهید داد؟

– خاصیت ورزش بخصوص فوتبال این است که هواداران با صحنه گل شاد می شوند و با عدم گلزنی ناراحت این اتفاقات گاهی خوش آیند و گاهی ناخوشایند است. من اعتقاد دارم کسی که بیرون زمین فوتبال مسئولیت دارد همیشه روبرویش سیل بزرگی است.

– یعنی شما یک احساس خطری را برای خودتان تصور می کنید؟

– بله این امریست طبیعی، اما من دوست دارم با همه شفاف باشم و این مسئله بی گمان با هواداران، دو طرفه خواهد بود.

– روی چه حسابی حمید کللی فرد را کنار گذاشتید؟– این مسئله دلیل بر ضعف آقای کللی فرد نیست، ما دنبال بهتر شدن هستیم، خود کللی فرد هم متوجه شده که بجایی برخورد کرده که شرایط خیلی سخت شده و بخاطر موج عظیم مردم صلاح بود تا دیگر در ورزشگاه شاهد بی حرمتی به ایشان نباشیم و در روز سه شنبه هفته گذشته، نامه قطع همکاری ایشان با تیم فوتبال شاهین را به وی ارائه دادیم.

– با این وجود، مسئله ۲۰۰ میلیون تومان قرارداد ایشان چه می شود، یعنی تمام و کمال پرداخت خواهد شد یا بخشی از آن به کللی فرد خواهد رسید؟– برای این کار هم چاره ای اندیشیده ایم. مشکلی وجود ندارد، ایشان می تواند به بخش امورمالی ما بروند، البته این مسئله حل شدنی است.

– به جز کللی فرد که از شاهین جدا گردیده، دیگر اعضای فنی شاهین، با سرمربی جدید همکاری خواهند داشت؟

– بله ما براین اعتقادیم که دیگر اعضای فنی با گزینش خوب، استخدام شده اند و اگر احساس کردیم نیاز به تقویت هست حتماً تیم فنی را تقویت خواهیم کرد و البته دور تیم فنی ما زیاد شلوغ نیست.

–روی چه اصلی محمود یاوری را برای مربیگری شاهین انتخاب کردید؟

– ما نقاط مثبت و منفی گزینه های سرمربی گری شاهین را بخوبی بررسی کردیم و جناب یاوری را که از تجربه بالایی برخوردار است، به عنوان سرمربی شاهین انتخاب نمودیم و دیدیم که ایشان از کسانی که دور تیم هستند از آنها شاهینی تر است.

– شرایط مالی و فنی آقای یاوری چگونه است و همکاری شما در رفع مشکلات مالی و فنی چگونه خواهد بود؟

– قرارداد ایشان ۳۵۱ میلیون تومان است.

–این یک میلیون آخری چه صیغه ای است؟

–من خودم به یک اصل اعتقاد دارم که یک مدیر باید شأن و جایگاهش حفظ شود. ما خواستیم از لحاظ رقمی هم از بالاترین بازیکن ۳۵۰ میلیون تومانی ما بیشتر باشد.

– آیا پیش بینی های لازم درخصوص عقد قرارداد با محمود یاوری در نظر گرفته شده که شاهین اگر خدای ناکرده برای دومین بار به بن بست خورد، شکست مالی گریبانش را نگیرد؟

– بله ما در قرارداد با ایشان مسائل فوق را پیش بینی کرده ایم ولی امیدواریم که چنین اتفاقی اصلاً رخ ندهد.

– آیا با آمدن سرمربی جدید شاهین، بومی کشی همچنان ادامه خواهد داشت یا نظر آقای یاوری چیز دیگری خواهد بود؟

– در جلسه ای که با سرمربی جدید تیم شاهین برگزار کردیم، ایشان حتی از محمود بحرینی سوال کردند که او گلر خوب و با تجربه ای است، کجاست؟ آقای یاوری تأکید برتیم امیدهای شاهین دارد که این تیم می تواند پشتوانه خوبی برای تیم بزرگسالان باشد.

– با آقای مهندس سوری هم در رابطه با تغییر و تحولات جدید صحبتی شده و آیا حمایت مالی ایشان و وزارت نفت پابرجاست؟

– وقتی که تیم شاهین خوب نتیجه بگیرد هم برای بوشهر و هم برای پارس جنوبی خوب خواهد بود، آقای سوری نسبت به تیم شاهین نظر مثبتی دارند، با یاری خدا و با پیگیری هایی که شده مسائل مال مرتفع خواهد شد. ولی در خصوص تغییرات صحبتی با ایشان نشده است.

– این طور که از شواهد امر پیداست، هیات رئیسه ای دیگر وجود ندارد. آیا از وجود افرادی مثل حسین وردیانی و محمد دوانی در امر مشاوره استفاده خواهید کرد؟

– بله هیات رئیسه در باشگاه و در تیم فوتبال شاهین وجود ندارد و از آن دو عزیز که زحمات زیادی برای ورزش و فوتبال بوشهر کشیده اند مشاوره خواهیم کرد.

– در حال حاضر مدیریت شاهین چگونه اداره می شود؟

–من خودم اعتقاد به اصل تغییر دارم و فکر می کنم هر تغییر نمی تواند سازنده باشد مگر اینکه سازه کارش فراهم باشد. ساختار سازمانی شاهین اصلا مناسب با تیمی که در لیگ برتر حضور دارد نبود برای جاهی که فوتبال از آنجا به ایران رفته، خیلی زیبنده نبود ما آمدیم روی ساختار سازمانی و چارت جدید کار می کنیم و در آینده نزدیک خیلی شفاف مسائل اداری را بیان خواهیم کرد. در حال حاضر هم تمام تصمیمات در هیات مدیره گرفته می شود.

– به نظر شما با آمدن یاوری به عنوان سرمربی شاهین به بازیکنان شوکی مثبت وارد شده که دوشنبه هفته جاری بازی خوبی در تهران مقابل پرسپولیس انجام دهند؟– اگر دنبال اصطلاح خوبی برای تغییر سرمربی شاهین می گشتیم شما شوک را ارائه دادی و چه بجا، امیدوارم بازیکنان ما اگر یک برابر توان خودشان در برابر پرسپولیس بازی کنند قطعاً نتیجه خواهیم گرفت و اگر بیش از توان شان تلاش کنند نتیجه بهترین، حاصل کار خواهد بود.

– شما از تلاش بازیکنان گپ می زنید و از آنها می خواهید یک برابر و یا یک ونیم برابر توانشان تلاش کنند، خودتان برای رفع مالی آنها چقدر تلاش خواهید کرد؟

– بجز پارس جنوبی با جاهای دیگر هم در حال چانه زنی هستیم در این راه نقش نمایندگان استان، مقامات سیاسی استان و امام جمعه بوشهر بسیار مهم خواهد بود، امیدوارم که به زودی مسئله مالی بچه ها را حل کنیم.

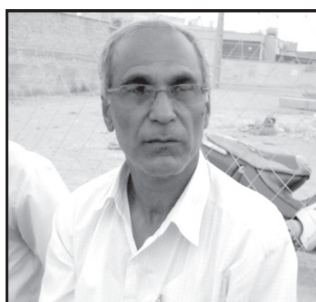
–تعامل شما با پیشکسوتان شاهین چگونه خواهد بود؟ – پیشکسوت های هر سازمان و هر باشگاه از سرمایه ها و بازوان آن جا بشمار می روند. باور کنید درآینده نزدیک از این عزیزان بیشتر استفاده خواهیم کرد چون این مسئله هم نظر خودم است و هم جناب یاوری.

– تعامل شما با خبرنگاران از مدیریت قبل بهتر خواهد شد؟– من برای موفقیت تیم شاهین پنج آیتم در نظر دارم که ترتیبی بین آنها نمی بینم. ۱– مدیریت۲– کادر فنی۳– بازیکنان۴– هواداران۵– رسانه ها، که با دست به دست هم دادن این موارد که هر مورد در جایگاهی می تواند موثر باشد. باور کنید من ارادت خاصی به خبرنگاران داشته و دارم و در آینده نزدیک برا ی اعزام آنها به همراه تیم شاهین برنامه خوبی دارم که خدای ناکرده حق کسی ضایع نشود و از عدالت خارج نشویم.

– کسانی که بعد از خبرنگاران مورد بی مهری مدیران شاهین قرار گرفته اند، کانون هواداران شاهین است، شما برای آنها چه برنامه ای دارید؟

– بنده خودم رئیس این کانون را بخوبی می شناسم. آقای فرهاد محمد پور هم خیلی علاقمند است و هم مدیر، یادم نمی رود در امر صعود به لیگ برتر این عزیز با دیگر دوستانش بخصوص در بازی های پایانی حسابی سنگ تمام گذاشتند. آرامشی که به سکو می دانند مثال زدنی بود.

عبدالله زاده: سنگ اندازی و تخریب در راه شاهین



عبدالله زاده مدیرعامل سابق شاهین در نامه ای خطاب به هیئت موسس این باشگاه، با برشمردن خدمات خود در طی مدیرعاملی شاهین از سنگ اندازی های پیش روی خود گلایه نمود. در قسمتی ازاین نامه آمده است: عزیزان بزرگوار این خدمتگزار گله بسیار دارم. به این دلیل که بهترین و کارآمدترین هیئت مدیره را شکل بخشیدم، مسئول روابط عمومی آگاه و تاثیرپذیری انتخاب نمودم، علاوه بر آن در انتخاب سخنگو، و ایجاد چارت موقت سامانی در زمینه ی مدیریت نیز با مطالعه و رایزنی های فراوانی اقدام نمودم و در حالی که مشغول به تصحیح و ویرایش اساسنامه ی باشگاه بودم، تیم های پایه را ساماندهی کردم. ضمن این که سازماندهی زیر ساخت های باشگاه را نیز به مرحله ی اجرا گذاشته ام و باید گفت گذاشته بودم، در حالی که امور کوتاه مدت و جاری را به مقتضای وضعیت در حال تکوین در دست داشتم، به طرح های پیش رو و درازمدت نیز فکر می نمودم، طرح هایی که بسیار حیاتی بودند و به سختی باید اذعان نمود که متاسفانه از سوی بعضی دوستان، به عناوین مختلف با سنگ اندازی یعنی نوعی کارشکنی آشکار و حتی تخریب، آن هم تخریب اینجانب توام می شد و این سناریو را گویا پایانی نخواهد داشت به عنوان نمونه، در هفته نامه های محلی، در صدا و سیما ی استان، گستاخی و تازش را به جایی رسانیده بودند که به خود حتی اجازه ساخت مهر باشگاه را دادند، به نحوی که نوع استفاده از آن در تاریخ این سرزمین خواهد ماند و در این میان من فقط و فقط، به خاطر آرامش تیم سنگ زیرین آسیا شدم و صبر کردم تا به پیروزی های شاهین محبوبم خدشه ی وارد نگردد. درد اینجاست که همان مدیرمحترم مستعفی که بارها سوگند یاد کرده بود که دیگر به عرصه مدیریت باز نخواهد گشت، با نهایت تاسف پس از گذشت ۹ ماه حاضر به امضاء صورتجلسه ی تغییرات مدیریتی در اساسنامه نشد و این بی احترامی اگر چه ممکن است گفته شود به عبدالله زاده بوده ولی حقیقتاً پشت کردن به هیئت موسس و قاطبه ی شیفتگان شاهین است و بی حرمتی محض به آنان – به دلایل برشمرده و بسیاری مسائل ناگفته، که در فرصت مناسب خواهم گفت و علیرغم میل باطنی، استعفای خود را تقدیم می دارم. هر چند دل نگران شاهین محبوبم هستم و پیوسته دعا می کنم تا شاهین و هوادارانش پیروز و سرافراز باشند. تعلق خاطر به شاهین عزیز، اجازه خداحافظی را به من نمی دهد. لذا این قول را می دهم که در حد توان در هر گوشه که لازم باشد به باشگاه محبوبم خدمت نمایم. کماکان تیم های پایه را مدیریت و نسبت به حراست و آبادانی ورزشگاه اختصاصی شاهین که آن را سند افتخار خودم می دانم، کوشا خواهم بود. البته اگر مسئولین و پیش کسوتان و صاحبان اصلی باشگاه یعنی هواداران اجازه فرمانند.





کاریکاتور از مسعود ماهینی

پیش بینی شاهینی ها برای بازی با پرسپولیس تهران:

می رویم که از پرسپولیس نتیجه بگیریم

– رضا بازیاری (کاپیتان شاهین): ما برای پیروزی به تهران می رویم صد درصد تفکر آقای یاوری و بچه ها این است که برای برد برویم.

– عبداله کرمی (هافبک): والله بازی، بازی سختی است. این بازی شرایط خاص خودش را دارد، پیش بینی اش خیلی سخت است. امیدوارم که نتیجه خوبی بگیریم.

– فرینا(مربی پرتقالی شاهین): دوست دارم شاهین برنده شود. بچه ها هم دوست دارند پیروز شوند و ما برای کسب امتیاز به تهران می رویم.

– جمال حق شناس (مدافع): پیش بینی سخت است. حالا ببینیم در جریان بازی چه پیش خواهد آمد. انشاءا... که در آزادی پرسپولیس را متوقف کنیم.

– ایوان پتروویچ (هافبک): تیم پرسپولیس نتایج نسبتاً خوبی گرفته و در خونه محکم بازی می کنه و تیم ما دارد یواش یواش بهتر می شود. نمی دانم مساوی می کنیم یا برنده می شویم. اما می گویم که باید تلاش کنیم تا امتیاز کسب کنیم.

– حمید محمدی (مدافع): امیدوارم به خدا، انشاء... که در برابر پرسپولیس آن قدر خوب بازی کنیم که هواداران ما شاد شوند.

– محمد احمدی پور(مهاجم): ما تمام تلاش خودمان را می کنیم برای سه امتیاز و خودم تلاش می کنم که اگر موقعیت گیرم آمد، گل بزنم.

– بهادر عبدی(هافبک): اول بچه ها باید تلاش خودشان را بکنند و دوم باید به خدا توکل کنیم و در این دو سه روزمانده به بازی با پرسپولیس توصیه های آقای یاوری را بدرستی گوش دهند. چون ایشان در این کارها خیلی با تجربه اند. من فکر می کنم اگه ۲۵ دقیقه اول بازی را از دست ندهیم می توانیم نتیجه خوبی بگیریم.

– مهدی نوری(هافبک): بازی، بازی سختی است. ولی خوب یک کم هماهنگ تر شده می رویم که از پرسپولیس نتیجه بگیریم، انشاءا... که با دست پر به بوشهر برگردیم.

– منصور تنهایی (مهاجم): چه بگم، انشاءا.. می رویم تهران که یک نتیجه خوب بگیریم تا دل هواداران شاد شود.

– هادی شفیعی(دروازه بان): به نظرمن بازی با پرسپولیس مساوی می شود. با روحیه خوبی که بچه ها دارند حداقل با یک امتیاز اززمین بازی بیرون می آییم.

– اصغر کامیاب(مربی): انشاءا... اگر بچه ها بدون استرس برابر پرسپولیس بازی کنند می توانیم یک بازی پایاپای را به نمایش بگذاریم اما پیش بینی کردن در فوتبال خیلی سخت است.



محمود یاوری با ۳۵۱ میلیون تومان شاهینی شد

با برکناری حمید کللی فرد از سرمربیگری تیم شاهین، اولین گزینه شاهینی ها برای هدایت تیم محمد یاوری انتخاب شد و به دلیل سابقه دوستی عبدالمحمد پوربهی از پیشکسوتان شاهین و عضو هیئت موسس باشگاه، با اولین تماس یاوری به بوشهر آمد و برای هدایت شاهینی ها اعلام آمادگی کرد. این درحالی بود که فصل قبل در زمانی که شاهینی ها نتایج ضعیفی گرفتند محمد یاوری برای هدایت شاهین به بوشهر آمد اما به دلیل بوجود آمدن مسائل حاشیه ای عطای کار را به لقایش بخشید. در مورد مبلغ قرار داد یاوری گفته می شود وی با یک قرار داد ۳۵۱ میلیونی و پرداخت ماهیانه ۵۰۰ هزارتومان کرایه اتومبیل و با منزل مسکونی و یک خط موبایل شاهینی، شده است. با عقد این قرار داد یاوری گرانترین مربی تاریخ فوتبال بوشهر است که تا کنون قرارداد بسته است.

ناصر ابراهیمی با ۳۰ میلیون ایران جوانی شد

ناصر ابراهیمی سرمربی فصل قبل ایران جوانی ها در لیگ دسته دوم کشور که درآخرین گام نتوانست ایران جوان را به لیگ دسته یک کشور بیاورد، پس خرید امتیاز لیگ دسته یک توسط ایران جوانی ها، در حالی که در نوشهر حضور داشت و چند جلسه هم تیم شموشک را هم تمرین داده بود، با مسئولین شموشک به توافق نرسید و با پیشنهاد ایران جوانی ها به بوشهر آمد و تمرینات ایران جوان را زیر نظر گرفت. گفته می شود ابراهیمی در روزهای آینده قرارداد خود را با این تیم به ثبت می رساند. گفته می شود ابراهیمی با یک قرارداد ۳۰ میلیونی ایران جوانی می شود. گویا پیشنهاد اولیه ابراهیمی ۴۰ میلیون بوده که با مخالفت ایران جوانی ها به ۳۰ میلیون تومان رسیده است .

حمید کللی فرد به دنبال ۲۰۰ میلیون قرارداد خود

با برکناری حمید کللی فرد از سرمربیگری شاهین، یکی از مهمترین مسائل بحث قرارداد ۲۰۰ ملیون تومانی اوست. گفته می شود کللی فرد از قرار داد دویست میلونی خود ۴۰ میلیون تومان آن را دریافت کرده است. وی در گفتگویی اعلام کرد تا مبلغ آخر قرارداد خود را دریافت کرده است چون او استعفاء نداده است و برکنار شده است و طبق قانون تمام مبلغ قرارداد وی باید پرداخت شود. گفته می شود مدیران شاهین به دنبال راهکاری برای جلب رضایت کللی فرد هستند تا با گرفتن بخشی از قرارداد خود، قید دویست میلیون را بزنند.

شاهین تیم ۶۰ دقیقه ای است

محمود یاوری سرمربی تیم شاهین درپایان اولین جلسه تمرینی تیم شاهین در جمع تعدادی از هواداران شاهین اظهار داشته است که تیم بازیکنان خوبی دارد و مطمئنا در لیگ برتر می مانیم اما مهمترین مشکل تیم این است که به دلیل بدنسازی نامناسب این تیم ۶۰ دقیقه است و باید برای بدنسازی تیم فکری اساسی کرد تا یک تیم ۹۰ دقیقه ای بشود.

شاهینی ها به دنبال جذب دروازه بان ، مدافع و مهاجم

با حضور محمود یاوری در تمرینات تیم شاهین و تماشای بازیهای قبلی این تیم، وی از نیاز فوری تیم به جذب یک دروازه بان ، مدافع و مهاجم خبر داد تا در بازیهای سخت آینده تیم کمک شاهینی ها باشند. گفته می شود کار رایزنی برای جذب این سه بازیکن با اولویت جذب یک مدافع و مهاجم شروع شده است و یک یا دو مدافع که یکی از آنها اهل سوریه است در تمرینات شاهینی ها حضور پیدا می کنند.

کانون هواداران شاهین فعال می شود

در حالی که در ابتدای مسابقات لیگ برتر، کانون هواداران شاهین که در چند سال قبل، نقش فعالی در ساماندهی هواداران داشت تعطیل شد، اما مسائل و مشکلات بوجود آمده در سه بازی خانگی شاهین و جریمه ۶میلیونی تیم و احتمال محرومیت از بازی خانگی، باعث شد که نشستی بین هیئت مدیره کانون با افشار رئیس هیئت موسس باشگاه و رئیسی نژاد مدیر اجرایی باشگاه برگزار شود و در این نشست ضمن اعلام حمایت مدیریت باشگاه از کانون هوادران، قرار شد که کانون هواداران شاهین برنامه های خود را به هیئت مدیره باشگاه اعلام کند تا این برنامه ها مورد برسی قرار بگیرد و با تصویب آنها، کانون هواداران وظیفه ساماندهی هواداران در ورزشگاه به عهده بگیرید.

احتمال محرومیت شاهینی ها در بازی پاس همدان

کمیته انظباطی فدارسیون فوتبال به دلیل فحاشی ، پرتاب اشیاء و ترقه دودزا به زمین، شاهینی ها را ۶میلیون تومان جریمه کرده و هشدار داده است که در صورت تکرار، شاهینی ها با محرومیت از بازی خانگی یا بازی بدون تماشاگر مواجه می شوند. در حالی که بعد از بازی با پرسپولیس شاهینی ها میزبان تیم مس کرمان هستند در صورت فحاشی و پرتاب اشیاء، احتمال محرومیت شاهینی ها از بازی بعدی خانگی که مقابل پاس همدان وجود دارد.

ایران جوانی ها به دنبال جذب بازیکنان جوان

با حضور ایران جوان در لیگ دسته یک کشور با توجه به کار سخت ایران جوانی ها در این مسابقات کادر فنی این تیم به دنبال جذب بازیکنان جوان و گمنام است. کاری که شاهینی ها سال قبل کردند و نتیجه آن را هم گرفتند. گفته می شود توجه ویژه به بازیکنان تیم جوانان ایران جوان ا ز اولویتهای اصلی مدیران ایران جوان است و در اولین گام ناصر ابراهیمی تعدادی از بازیکنان مسن تیم را مرخص نموده و اولویت را بر جذب بازیکنان جوان گذاشته شده است.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷





روی خط ایرانجوان

سید اصغر هاشمی پیشکسوت تیم ایرانجوان:

بدون برخورد زننده و ناشایست، ایرانجوان را به طرف آینده ای روشن ببریم



این هفته میزبان یکی از مدافعان اسبق و پرتلاش و بااخلاق تیم فوتبال ایرانجوان بوشهر بودیم، با توجه به این که ایشان میانه خوبی با گفت و گو نداشتند. اما بخاطر احترام به خوانندگان هفته نامه و تیم بزرگ ایرانجوان، چند خطی را به قلم خودشان نگاشتند و در زیر نوشته ها و گفته های سید اصغر هاشمی دفاع راست سرخ پوشان در سالهای ۶۰ و۷۰ را می خوانید:

ناصرابراهیمی سرمربی ایرانجوان بوشهر، از مربیان و پیشکسوتان ثابت قدم در امر پرورش و پیشرفت جوانان در زمینه فوتبال می باشد. خدمات ایشان در باشگاهی و ملی برکسی پوشیده نیست. امیدوارم که آقای ابراهیمی برای ادامه کار در ایرانجوان و قبول مسئولیت سرمربیگری این تیم مردمی، تلاش و کوشش بیشتری در امر آموزش تکنیکی و تاکتیکی روز فوتبال بنمایند و ما شاهد موفقیت ایرانجوان به همراه وی باشیم.

درباره اسپانسر مالی نیز باید گفت که موضوع اسپانسر مالی از مهمترین بخش های تیم داری است با این همه منابع مالی در استان، ما نباید نگران این موضوع باشیم که صد البته همیشه نگرانیم، اگر یک نگاهی به کرمان بیاندازیم به فکر فرو می رویم که چرا صنایع مس کرمان اکثر تیم های فوتبال و رشته های ورزشی کرمان را زیر پوشش برده ولی در بوشهر بالاترین منابع مالی این موضوع را برای ورزش دلخواه مردم (فوتبال) بخوبی انجام نمی دهد.

با توجه به این که آقای پورکبگانی فرماندار بوشهر، کمک و مساعدت بسیار زیادی در ابتدای شروع لیگ دسته اول برای ایرانجوان داده اند، اما باید دراین مسیر کوشش و تلاش بیشتر نمود تا دغدغه خاطر مسئولین در امور هزینه های پیش رو با مشکل مواجه نشوند.

درباره مقررات باشگاه و انسجام تیمی نیز باید اطهار داشت که اصلی ترین امر پیشرفت با ارائه پیشنهادات در چهار چوب قانون و مقررات وضع شده برای اجرا و انجام وظایف محوله می باشد. داشتن مدیریت قوی و آینده نگر از اهم انسجامٍ و پیوند این مجموعه به عنوان هیات مدیره می باشد. اصولاً انتخاب تشکیلاتی برای اداره یک مجموعه بزرگ و سابقه دار مثل ایرانجوان باید برای همگی ما مسئله ای حل شده باشد که قبول مسئولیت یعنی تلاش و کوشش، اما در صورت مشاهده نواقص و کمبودها می بایست مجموعه با برگزاری جلسات رفع مشکل با انتقادات خوب سازنده خود، بدون برخورد زننده و ناشایست، ایرانجوان را به طرف آینده ای روشن ببریم.

احمد گزی عضو هیات مدیره شاهین:

فقط ۱۰۰ میلیون تومان به کللی پرداخت می شود



– جناب گزی شما با اصل تغییر در رأس کادر فنی شاهین موافق هستید؟

– بله، این طبیعی و شوکی مثبت برای شاهین.

– برابر پرسپولیس چه نتیجه ای خواهید گرفت؟

– پیش بینی خیلی سخت است ولی به نظر می رسد که بچه ها بازی قابل قبولی از خود به نمایش بگذارند.

– حق و حقوق کللی فرد چه خواهد شد؟

– ایشان برابر مقررات حق و حقوقش را پرداخت خواهیم کرد.

– کل ۲۰۰ میلیون تومان قرارداد کللی به او پرداخت می شود یا خیر؟ – نه ۵۰ درصد به او پرداخت می شود.

ناصر رفیعی سرپرست شاهین:

یاوری نظم خاصی به شاهین داده



– آیا می توانید در استادیوم آزادی مقابل پرسپولیس موفق باشید؟

– قطعاً ما در آن بازی دست پر برمی گردیم.

– از زمانی که آقای یاوری آمد، شرایط روحی بچه ها چگونه شده است؟

– انگیزه ها بالا رفته و یک بحثی که در وجود آقای یاوری است مسئله مدیریت ایشان است، با مدیریتش نظم خاصی به تیم داده و جای تقدیر و تشکر دارد.

– تغییر سرمربی شاهین در هفته پنجم می تواند تاثیر خوبی به همراه داشته باشد؟

– این در فوتبال ممکن است شوک منفی هم به همراه داشته باشد که امیدواریم ازاین به بعد نتایج خوبی کسب کنیم.

برنامه بازی های ایران جوان بوشهر در لیگ دسته یک

هفته اول	ایران جوان × داماش درود	بوشهر
هفته دوم	شموشک × ایران جوان	نوشهر
هفته سوم	ایران جوان × شهرداری بندرعباس	بوشهر
هفته چهارم	ایران جوان × مس رفسنجان	بوشهر
هفته پنجم	صنعت نفت × ایران جوان	آبادان
هفته ششم	ایران جوان × شهرداری تبریز	بوشهر
هفته هفتم	صنعتی کاوه تهران × ایران جوان	تهران
هفته هشتم	ایران جوان × پیام مشهد	بوشهر
هفته نهم	سپاهان نوین × ایران جوان	اصفهان
هفته دهم	ایران جوان × پیام مخابرات فارس	بوشهر
هفته یازدهم	اتکا گلستان × ایران جوان	گرگان
هفته دوازدهم	ایران جوان × تربیت یزد	بوشهر
هفته سیزدهم	شاهین اهواز × ایران جوان	اهواز

محمود یاوری سرمربی شاهین بوشهر:

بازیکنان شاهین باید حال و هوای لیگ برتری داشته باشند



– جناب یاوری بفرمائید دراین چند روز که به بوشهر تشریف آوردید، تیم شاهین را چگونه ارزیابی کردید؟

– بچه ها در حال حاضر در شرایط روحی خوبی قرار گرفته اند از این که در حال و هوای لیگ برترهستند احساس خوبی دارند و نباید زحمات آقای کللی فرد را نادیده گرفت، همین که ایشان شاهین را به لیگ برتر آورد کار خیلی مهمی انجام داده است.

– دیدگاه اصلی شما درخصوص شاهین که پنج هفته در لیگ برتر بازی کرده چیست؟

– باید خیلی روی این تیم کار شود، یعنی در یارگیری، متاسفانه بازیکن لیگ برتری کمتر گرفته شده و خوب طبیعی است یک تعداد از بازیکنان تیم قبلی به کارگرفته شده که این حق شان است. ولی بطور کلی تیم باید برای لیگ برتر و بالای جدول دیده شود، تا زمانی می توانیم در لیگ برتر باشیم که هدفمان ۹ تیم اول باشد. البته تیم کنونی یک مقدار کار دارد.

– هدف شما از آمدن به شاهین چه بود؟

– من آمده ام که خدمت کنم ، کار من مربیگریست، حالا چه بهتر که در شاهین باشم، البته روی این تیم هم تعصب دارم و هم عرق. البته یادتان باشد آبروی خودم را بیشتر از هر چیز دوست دارم، من خانواده ام را با این شرایط سنی گذاشتم و به بوشهر آمدم، من جای دیگرهم استخدام می شدم منتها چون این تیم شاهین است برای من یک حساسیت مثبت بهتری دارد.

– در چند خط باید تقویت شوید؟

– در یکی دو خط تقویت نیاز است.

– مشکل دروازه بانی دارید؟

–بله. منتها، اگر قرار باشد گلری استخدام کنیم باید سنگربانی به شاهین بیاوریم که از گلرهای کنونی بهترباشند.

– خط دفاعی ما ضعیف است یا خیر؟

– دفاع ضعیف نیست، ساختار دفاعی تیم ضعیف است، وقتی که از جلو خوب ببندیم، دفاع در عذاب نخواهدبود.

– در شرایط کنونی نقطه مثبت شاهین در کجاست؟

– ۱– تماشاگران هستند که همیشه در صحنه حاضرند و تیم را حمایت می کنند،۲– روحیه بچه ها۳– خط میانی و مهاجم، واقعاً خط میانی، بازیکنان با کلاسی دارد.

– انگار به بازیکنان با شعور و خلاق حسابی علاقه دارید؟

– بله، فوتبال امروز روی شاخ و شانه بازیکنان با شعور و با تفکر بالا می چرخد، به هرحال این قبیل بازیکنان هستند که موقعیت های خوب را به وجود می آورند.

– چه احساسی دارید که سرمربی شاهین هستید؟

– من خوشحالم که به تیم مورد علاقه ام آمدم، این را به عده ای می گویم که بدانند، یاوری همیشه یاوری است، با این که باشگاه هایی دنبال این هستند تا در شرایط بحرانی از این مربی استفاده کنند. این مال من نیست، مال عملکردم است. حالا هم آمدم خدمت کنم، نقطه ضعفی ندارم تا اینجای کارم سعی می کنم که نقطه ضعفی نداشته باشم.

– فیلم بازی های قبلی شاهین در هفته های گذشته مشاهده کرده اید؟

– بله، من در منزل همه بازی ها را دنبال می کنم و برای همین است که به استادیوم نمی روم.

– فیلم بازی حریف هفته ششم شما یعنی پرسپولیس را دیده اید؟

– بله. بطور کامل مشاهده کردم و فیلم آن بازی را در اختیار دارم و قرار است با دیگر اعضا کادر فنی فیلم بازی ذوب آهن و پرسپولیس را به اتفاق ببینیم

– جناحی که می شود به پرسپولیس ضربه زد کدام نقطه میٍ باشد؟

– اصولاً ساختار دفاعی شان بویژه نیمه زمین به عقب، کارشان ضعیف است. بخصوص دفاع و وسط عمقی مشکل دارند.

– پرسپولیس ۱–۳–۲–۴ بازی می کند. شما با کدام سیستم بازی خواهید کرد؟

– ۲–۴–۴– سرجایش است. من ۴ دفاع و دو مهاجم را دارم، چرا، چون مهاجم هر چه بیشتر در خط ۱۸ قدم حریف باشد درصد گل زدن بیشتر می شود، چهار نفر میانی هم در منطقه خود می چرخونم.

– دستیاران شما چگونه اند و یا کسی را به کادر فنی اضافه خواهد کرد؟

– اعضای کادر فنی خوبند ولی در این کادر نفر کم داریم.

– نظرتان در خصوص بومی گرایی چیست؟

– من اعتقاد راسخ دارم به بازیکنان بومی، ولی یک چیز را درنظر بگیرید که فوتبال حرفه ای است و دیگر کمتر به این مسائل توجه می شود. ولی من اعتقاددارم که بازیکن متوسط بومی بهتراز بازیکنان همجوار خودش است.

– شما در برق شیرازهم بومی گرایی کردید و موفق هم بودید؟

– بله هم در برق و هم دراهواز، چون بازیکنان بومی هم تعصب دارند هم عرق، این مسئله خیلی مهم است.

– چرا شاهین سخت گل می زنه و راحت گل دریافت می کنه؟

– ساختار حمله را خوب انجام می دهند ولی ساختار دفاعی را نه. در کل ساختار دفاعی فوتبال ایران خوب نیست.

– معایب اصلی بازیکنان شاهین چیست؟

– نگفتن، نکردن، بازیکن به خواسته و دستوارت مربی توجه نکرده است.

– نظر شما در خصوص این که بعضی از بازیکنان شرایط لیگ برتر را درک نکرده و یا جدی نگرفته و هنوز در باد لیگ اول می باشند چیست؟

– باید حال و هوای لیگ برتری داشته باشند، یعنی همه چیزشان حرفه ای باشد به آنها اعلام کرده ام که خوب بخوابند و استراحت کنند. روی برنامه غذایی آنها نظارت خواهم داشت، با مسئولین تیم صحبت خواهم کرد که در خوابگاه بچه ها اگر شده یک آشپزخانه حتی کوچک آماده شود تا غذاهای با کیفیت و با تنوع برای بازیکنان ساخته شود از نظر ریالی هم مقرون به صرفه خواهد بود. من این کار را در فجر انجام دادم و خیلی خوب جواب داد.

– چند هفته فرصت می خواهید تا شاهین به شرایط آرمانی برسد؟ اگر بخواهیم به شرایطی خوب و آرمانی برسیم باید تا نیم فصل صبر کنیم.

– دراین رابطه قولی به مسئولین شاهین داده اید؟

– من به مسئولین قولی نداده ام، من آمدم کمک کنم و کارنامه من و گفتار من قابل قبول بوده، زمانی که راه آهن رتبه ۱۶ لیگ برتر بود آن را تحویل گرفتم و زمانی که تحویل دادم یازدهم بود.

– نظرتان درباره تماشاگران شاهین چیست؟

– آنها در دنیا بی نظیرند ، وقتی ظرفیت ورزشگاه ۱۲ هزار نفر است و ۲۰ هزار نفر به دیدن بازی شاهین می آیند در نوع خود بی نظیر است. دوست دارم تماشاچیان محترم هم صبر و حوصله داشته باشند و شاهین را حمایت نمایند.

– نظرتان در مورد مطبوعات و رسانه های تصویری استان چیست؟

– من می دانم مطبوعات و اهالی رسانه از شاهین حمایت می کنند و تیم شاهین را دوست دارند ولی این دوست داشتن کافی نیست. من اعتقاد دارم که هر چه می توانند از من انتقاد کنند و به من پیشنهاد بدهند. برای سازندگی، نظرات شما را بررسی می کنم

– بازیکنان شاهین؟ – آنها بچه های خوبی هستند و انتظار دارم بیشتر تلاش کنند تا به حقشان برسند.

– مسئولین استان؟

– آنها که باید حمایت شان بی دریغ باشد. خوشبختانه شنیده ام هم استاندار و هم امام جمعه بوشهر ورزش دوست هستند و امید است این دو عزیز تیم شاهین را حمایت نمایند انشاءا... در اولین فرصت به دیدار آنها خواهم رفت.

ناصرابراهیمی سرمربی ایرانجوان بوشهر:

شرایط لیگ دسته اول، سخت تر از لیگ برتر است



– آقای ابراهیمی درابتدا اگر صحبتی دارید، بفرمائید تا گفت و گویمان را شروع کنیم؟ – به همه بوشهری ها سلامی گرم تقدیم می کنم، زمانی که آمدم بوشهر با خبر شدم که جناب آقای محمود یاوری یکی از مربیان بزرگ این مملکت که سالها در مربیگری موفق بوده، سرمربی تیم شاهین شد، شاهین هم خانه ی اوست و هم خانه من، انشاءا... که در کارش موفق باشد.

– چه طور شد دوباره سرمربی ایرانجوان شدید؟

– صحبت دوباره نیست، هدف ادامه کار سال پیش است. پارسال که ما آمدیم با همه دوستان دست به دست هم دادیم و یک تیم بسیار خوبی را ساختیم، دیدید که با آن توانی که داشتیم تا پای فینال رفتیم و به نوعی کار ما یک نوع صعود بود. درروزهای آخر، مسائل روحی و روانی روی تیم ما اثر گذاشت. همین حالا در لیگ برتر تیم تراکتور با مشکل برخورده است.

– چه مشکلی؟ – درروزنامه ها نوشته شد، اگر پول بچه های تراکتور را ندهند آنها هم قهر می کنند.

– یعنی می خواهید بگوئید مسئله اصلی پوله؟

– تقریباً اکثر مشکلات تیم ها وضعیت مالی آن هاست.

– به نظر می رسد زمان زیادی برای شرکت در مسابقات لیگ دسته اول ایران دراختیار ندارید؟

– در فوتبال بوشهرهمه چیز دقیقه ۹۰ است. شما شاهین را در نظر بگیرید، با زحمات زیاد تیم وارد لیگ برتر شده، ولی یک ماه و نیم بعد از مسابقات دست به هیچ چیز نزدند، دو الی سه هفته مانده به مسابقات لیگ برتر، شروع کردند به یارگیری، خوب مشخص است، تیم های دیگر سه ماه تمرین کردند. حالا ما هم در لیگ دسته یک به همین درد مبتلا شدیم.

– که شما هم ازاین حیث اذیت می شوید؟

– بله اکثر تیم های لیگ یکی، از دو ماه پیش کار خودشان را شروع کرده اند، وحتی بعضی ازآنها در ترکیه اردو زده اند، ما دو هفته آینده بازی هایمان شروع می شود. شما حساب کنید در این زمان باقی مانده من و همکارانم هم باید یارگیری کنیم، هم بدنسازی و هم تیم را به شرایط هماهنگی برسانیم.

– اگرخدای ناکرده نتیجه خوب حاصل نشد؟ – اگرهم نتیجه نگرفتیم، اولین کسی که می رود زیر سئوال سرمربی است که در این شرایط باید ساکش را بردارد و برود و این یک واقعیت است.

– کادرفنی شما چه کسانی خواهند بود؟ – همان کادر سال قبل، سرهنگ معماری و علیرضا طارمی والبته آقای خرمزی هم به کادر فنی اضافه شده که ایشان در همه امور یار و یاور ما هستند.

– تفاوت عمده ای بین سطح کیفی و کمی مسابقات لیگ یک و دو و برتر وجود دارد؟ برای موفقیت در لیگ یک چه استراتژی در دستور کار دارید؟

– بدترین شرایط را لیگ دسته اول دارد، اصلاً لیگ برتر سختی ندارد، در لیگ برتر تیمها به سه دسته تقسیم می شوند، یک سری که خوب خرج کرده اند برای رتبه های اولی و آسیایی شدن مبارزه می کنند، دسته دوم که کمتر هزینه کردند برای تصاحب میانه جدول و دسته سوم تیم های که کمتر از یک میلیارد تومان خرج کرده اند و برای اوت نشدن دست و پا می زنند. ولی در دسته اول بین ۲۸ تیم دو تیم مستقیم به لیگ برتر صعود می کند و دو تیم به پلی آف می رود. بنابراین کار خیلی مشکل است، این تیم کار خیلی سختی در پیش رو خواهد داشت.

– از سختی نمی ترسی؟ – نه، ما مرد کارهستیم وازهیچ چیز نمی ترسیم. ولی باید یک مقدار هم حق را به مربیان بدهند، ما مربیان ساک بدستیم، یک روز با ساک می آئیم و روزی با ساک می رویم، گاهی اوقات براثر ضعف کار ما می باشد. گاهی اوقات نه، اگرمن سه ماه کار کنم و نتیجه نگیرم، مسئولین حق داشتند بعد از بازی اول من را اخراج کنند ولی من و همکارانم در ۱۸ روز می خواهیم تیم ایرانجوان را تشکیل بدهیم واقعاً خیلی سخت است.

– نگرش شما دررابطه با بومی گری چیست، البته شنیده شده که چند بازیکن بومی را کنار گذاشتید؟

– یک زمانی به من می گویید که تیم را بومی ببند و من از خدا می خواهم که این کار را انجام دهم ولی دراین زمان از من می خواهند که تیم را خوب ببندم، البته در تیم کنونی در رده جوانان و امید ، همه از بومی ها استفاده کرده ام و در تیم امسال فکر کنم ۱۰ غیربومی را خواهیم داشت، من دلم برای بومی ها می سوزد چون دراینجا خیلی زحمت کشیده اند، وقتی به حمید فرد، رضا خدری، خالدی یا زائر ابراهیمی یا هر کس دیگری بگویم نیایید، خودم خجالت می کشم، چون می دانم که آنها خیلی زحمت کشیدند.

– علت اصلی کنار گذاشتن کسانی که نام بردید چه بوده است؟

– دیگر توان ندارند خودشان را نشان دادند. در دنیا چنین چیزهای وجود دارد. فوتبال هم خوب است و هم بد، زمانی که انتخاب می شوی بسیار خوب است، وقتی که خط می زنی برای مربی بسیار لحظه بدی خواهد بود.

– آیا کسانی در پست آنها به خدمت خواهید گرفت، توان فنی شان در سطح بهتری قرار دارد؟ – بله، صددرصد. درامر یارگیری، ما چند نفر هستیم که دراین خصوص رأی خواهیم داد و من خودم تنها این کار را نمی کنم اگر این کار را کنم خودخواهی می شود.

– گپ پایانی؟ – خدا کند بازیها دو هفته به عقب بیافتد، اگر وقت داشته باشیم، این تیم را بهتر خواهیم ساخت تا در مسابقات مقابل خیلی تیم ها قد علم کند.

مهرزاد رئیسی نژاد مدیر اجرایی شاهین:

باید به کللی فرد فرصت می دادیم

– در شرایط کنونی تعویض سرمربی شاهین را یک شوک مثبت می دانید؟

– نه، من در جلسه هیات موسسین شاهین شرکت کردم درآن نشست ۱۰ نفر بودیم ۹ نفر با برکناری آقای کللی فرد موافقت کردند و بنده هم مخالفت کردم.

– چرا؟

– چون این کار را اشتباه می دانم، باید به کللی فرد فرصت می دادیم، ایشان کار را به خوبی بلد بود. تیمی که از لحاظ فوتبال خوب کار می کند یعنی مربی اش کار بلد است.

– درحال حاضر چه نظری دارید؟

– باید از آقای محمود یاوری حمایت کنیم.

– شما با اصل تغییر مخالف بودید؟

– بله– ولی حالا باید دست به دست هم دهیم تا شاهین با آرامش به روند صعود برسد.

– وضعیت و شرایط مالی و مطالبات کللی فرد چه خواهد شد؟

– انشاءا.. ظرف روزهای آینده که پول به باشگاه تزریق شود مطالبات ایشان هم پرداخت خواهد شد. گرچه کللی فرد دنبال پول نبود ولی این باشگاه شاهین که به او پول داد.

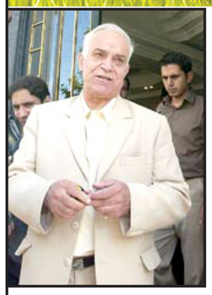
– چه نتیجه ای را برای بازی پرسپولیس و شاهین پیش بینی می کنید؟

– فکر کنم بازی مساوی شود.



روی خط شاهین

در کوتا مدت نمی شود شاهد معجزه بود



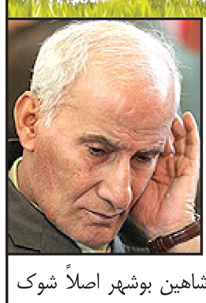
جعفر کاشانی پیشکسوت تیم ملی و شاهین تهران : امیدوارم تغییری که در رأس کادر فنی شاهین بوشهر انجام شده خوب و مفید باشد آقای یاوری مربی با تجربه ای است و بخاطر نتایج ضعیف تیم شاهین در لیگ برتر ایشان را به شاهین آورده اند . به نظر من این کار می تواند شوکی مثبت باشد ولی در کوتاه مدت نمی شود شاهد معجزه بود. این هفته هم با پرسپولیس بازی دارید و به بچه های شاهین بگوئید که خودتان را از پیش بازنده ندانید شما می توانید با یک بازی مردانه جلو پرسپولیس قد علم کنید.

کللی آنالیز درستی از بازی نمی کرد



رضا ماهینی پیشکسوت شاهین: با توجه به اینکه تیم شاهین آخرین تیمی بود که به لیگ برتر صعود کرد و زمان زیادی برای هماهنگی در دست نداشت، اما تغییر در کادر فنی و آوردن محمود یاوری به نظرمن صد در صدر شوک خوبی بود. یاوری ازاکثر تیم های لیگ برتر بخصوص پرسپولیس و استقلال شناخت کامل دارد و این برای تیم شاهین بسیار مهم است. متاسفانه آقای کللی فرد زمانی که تیمش شرایط خوبی نداشت وقتی یک گل می زند و می رفت برای گل دوم، باید کللی فرد بازی را می بست ولی می ایستاد و می رفت تو عشق بازی دو تیم و آنالیز درستی از بازی نمی کرد. انشاءا... که تیم شاهین در ادامه راه موفق باشد.

اصلاً شوک مثبتی نبود



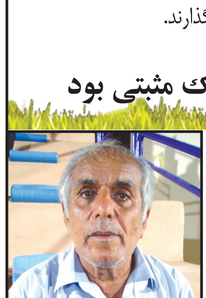
حمید جاسمیان پیشکسوت تیم ملی و شاهین تهران : به نظر من شاهین می بایست مدیریت و کارهای تشکیلاتی اش را درست کند نه سرمربی را تغییر دهند، چرا به کللی فرد زمان زیادی ندادند. چرا به فکر نظام ناهماهنگ تیمی نیستند، بچه های بومی را نابود نکنید، به نظر من تغییر سرمربی شاهین بوشهر اصلاً شوک مثبتی نبود. در آینده خواهیم دید. شما دو ماه صبر کنید بعد همه چیز مشخص می شود. من دوستدار شاهین هستم علاقه دارم که همیشه شاهین در اوج باشد.

از هفته هشتم باید شاهد تفکرات یاوری باشیم



غلام بوالخیری پیشکسوت شاهین: دردنیا نتایج ضعیف پیامدش تغییرات است. چون فوتبال تعارف بر نمی دارد ضمن اینکه باید از زحمات آقای کللی فرد تشکر کرد در جلسه ای که در چند روز پیش که در حضور هیات مدیره شرکت کردم اول قرار شد مجید جلالی بیاوریم چون امکانات خاص ایشان را نداشتیم، این عمل انجام نشد و بهترین گزینه محمود یاوی بود که خودش هم از شاهینی های قدیم است و در حال حاضر نباید از وی توقع زیادی داشت از هفته هشتم به بعد باید شاهد تفکرات یاوری باشیم. امیدوارم بچه های شاهین در مقابل پرسپولیس بازی آبرومندانه از خود به نمایش بگذارند.

تعویض کللی شوک مثبتی بود



جلال غریب زاده پیشکسوت شاهین: به نظرمن چون جناب کللی فرد تجربه لازم را درٍ لیگ برتر نداشت و خودش مکرراً اظهار می داشت یک هفته دیگر این تیم را تحویل می دهم، تعویض وی به عقیده من شوک مثبتی بود. در همه جای دنیا این تغییرات صورت می گیرد. بزرگترین تیم های دنیا، وقتی که نتیجه نمی گیرند مربی را تعویض می نمایند، چه بسا وقتی که تیمی بزرگی آبرویشان در خطر باشد و از طرف مردم تحت فشار قرار گیرد این تعویض ها امری عادی خواهد بود.